

- پیام برادر مجاهد رحوی به مردم قهرمان مشهد
- پاکسازی با احراج عناصر انقلابی
- سالگرد شهادت کارگران قانسهر
- چهار صفحه گزارش از مشهد
- از رسول تاسکور • لاله های فروردین (سعر)
- چه کسانی با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می ورزند

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

سال اول - شماره ۴۹ - سنه ۶ دیهبت ۱۳۵۹ - کنساره ۱۵ رمال

# رعایت حداکثر آرایش

مجاهدین خلق ایران با تاکید بر مضمون رهائی بخش ندا میرا لیستی انقلابیان همدی نیروها را به رعایت حداکثر آرایش فرامی خوانند.

به نام خدا  
به نام خلق قهرمان ایران  
"ارمان مجاهدین خلق ایران بخاطر پاسداری از حقیقت در صفحه ۲"

## دانشگاه، همچنان سنگر آزادی

### بر جای خواهد ماند



دانشگاه تهران: خونها ریخته می شود، دیوارها فرو می ریزد، اما سنگر آزادی هم چنان پابرجا خواهد ماند.

چند روزی از اوج گیری طوفانی گسردهای که دانشگاه به عنوان اولین مریای آن طرح بر روی شده بود، گذشته است. طوفانی که تیر نفیض از ابعاد گسرد و غمی خود (که) سار به بررسی معضله دارد، جوهر و مضمون او حاشیاست. بدست تمام عیار با عنصر آگاهی و دشمنی تمام عیار با فتنه آگاه جامعه که به حوسه راه اصل اغلاب را بار یافته است. بود. بقیه در صفحه ۲

## چه کسی پاسخگوی خون و ضرب و شتم هزاران دانشجوست

هنوز به درستی نمی دانیم که آیا می توان توطنی تعطیل دانشگاه را کاملاً تنگست خورده تلقی نمود؟ روزهای اول وقتی "مجاهد" استاد را بر ملا نمود، کمتر کسی باور می کرد. به همین دلیل برخی نیروها نیز در آغاز افشاکری و اعتراض را چندان ضروری نمی یافتند. و گمان می کردند که مسأله چیزی برمی نیست. اما در یک نگاه به سر مقالاتی اکثریت مطبوعات کشور در روزهای اخیر، دیگر به حوسه می توان دریافت که خیلی چیزها روشن شده است. خبرهای "پس برده"، "توطنه"، "توی کودتا" و... راستی هم اگر قبول کنیم که انقلاب راستین فرهنگی، انقلابی در ارزشها و بینشها و حقیقات و خلاصه دگرگونی در اعماق ضمیر قلب انسانی است، کدام آدم مصفی می پذیرد که با تنها چیزی که این امر خطیر میسر نیست، چوب است و چماق و ز - ۳ و تهدید و افترا. و عجیب است که کسانی که از موصی اسلام پناهنده به شدت مادیگری و ماده گرایی را محکوم می کنند، مغنویات را هم به صرت چماق می خواهند تغییر بدهند.

اگر چه اکنون روشن است که پاسکاری و تمغی دانشگاه تنها بهانه ای بیش نبوده و غرض اساساً این بوده است که حساب معمول با سو استفاده از نام اسلام و انقلاب و امام میدان را از حریف پاکت کنند.

لیکن امروز در این جا قصد نکاش بیشتر در این باره نداریم. و سؤال چیز دیگریست.

به راستی پاسخگوی این همه خونها و جراحتها که در سراسر کشور بر جای مانده چیست؟ و چه کسی پاسخگوی ضرب و شتم هزاران دانشجو قهرمان در سراسر کشور است؟ و بیاید این بار از این سؤال ساده بگذریم. آخر گناه آنها که کشته شدند و یا محروم و یا مضروب، چه بوده و چیست؟ آیا ایست شیوه تبلیغ اسلام راستین؟ هرگز!

آیا اینست طرز عمل مردمی و شورایی؟

آیا این طرز عمل در هیچ یک از مرام های توحیدی و انسانی توحیه پذیر است؟

آیا

اکنون جقدر حوسه است که آنها که سونا به بربری کردند و نقشه کشیدند و بلوا و فتنه به راه انداختند، با پیش گذارند و از عقیده و کردار خود دفاع کنند. مخصوصاً "توجه می دهیم که بر حسب تجارب یک سال گذشته، هر وقت که قدم درستی بر علیه امپریالیزم و به منظور احقاق حقوق مردم برداشته شد، هیچ گروه صادقی نبود که از آن و جان حمایت نکند. و دلایلی هم ندارد که اگر شما راستی دگرگونی واقعی نظام پانهادی با غنوی را داشته باشید، نیروهای موم انقلابی به جدال برخیزند. و به خدا سوگند که در هیچ گاه ای جان خون ریزی و فتنه و آشوب در دانشگاهها، اسباب افتخار و سفید رویی نیست. زیرا که به هرحال (ولو به طور نسبی) زند تریس، فعال ترین و آگاه ترین نیروهای یک ملت را در دل خود جای داده است.

پس بگذارید، مخصوصاً "رو به آن دسته از خواهران و برادران ناآگاهی که ناخوسته به این ماجرا گمانده شده اند، بار هم ببریم، بر راستی مسئول این همه تفرقه و ضرب و جرح و خون ریزی و آتلاف وقت چه کسانی هستند و چرا.....؟ و در این میان چه کسانی سود اصلی را بردهند؟

اگر از این سؤال به سادگی صرف نظر نکنیم چراغ راهنما و "نبیه" ارزشمندی برای طی طریق بدون اعوجاج و انحراف در آینده دریافت داشته ایم. پس سلام بر هر آنکه روشناسی و هدایت جوید.

## آگاهسازی یا تحمیق و اختناق در ارتش آریامهری

عده مرمین سوهای ارتش آریامهری، در باره نقش ضد اطلاعات در سبسم ارتشهای ضد مردمی و نازیجهی شکل گیری این بدیده محسوس در ارتش ناهنشاهی، وسبب مانع ضد اطلاعات و کارکرد آن در این سبسم صحبت کردیم. دیدیم همانگونه که سنت و شیوه تمام نظام های ضد مردمی تاریخ است، اساس و بنیان اینگونه سبسم ها عمدتاً بر آگاهی و وحیقم مردم و ایجاد احساس اسواراست، به همین دلیل در ارتش ناهنشاهی به عنوان جلوه یافته نام نمای اینگونه نظامها از طریق مختلف برای این منظور بهره می جسد، به عنوان مثال دیدیم که از منابع، به عنوان عوامل احساق و برآکدن بدبسی استفاده می شد که در یک کلام تمام تلاش آنها در حد کردن ارتش از مردم خلاصه می گشت. در بدبسی نظایب پیش گسب می خواهم به یکی از

نا به حال در این سلسله مقالات در باره نقش ضد اطلاعات در سبسم ارتشهای ضد مردمی و نازیجهی شکل گیری این بدیده محسوس در ارتش ناهنشاهی، وسبب مانع ضد اطلاعات و کارکرد آن در این سبسم صحبت کردیم. دیدیم همانگونه که سنت و شیوه تمام نظام های ضد مردمی تاریخ است، اساس و بنیان اینگونه سبسم ها عمدتاً بر آگاهی و وحیقم مردم و ایجاد احساس اسواراست، به همین دلیل در ارتش ناهنشاهی به عنوان جلوه یافته نام نمای اینگونه نظامها از طریق مختلف برای این منظور بهره می جسد، به عنوان مثال دیدیم که از منابع، به عنوان عوامل احساق و برآکدن بدبسی استفاده می شد که در یک کلام تمام تلاش آنها در حد کردن ارتش از مردم خلاصه می گشت. در بدبسی نظایب پیش گسب می خواهم به یکی از

**با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار نفر  
بیکر بخون طپیده  
مجاهد شهید شکرالله مشکین فام  
به خاک سپرده شد.**

در صفحه ۳

**پیام استاد محمد تقی شریعتی**  
در صفحه ۳

**شهادت یکی از فرزندان اسلام راستین و تشیع علوی  
(شکرالله مشکین فام) برانمانم و منأثر نمود.**

## گمان نمی کردیم بارد دیگر زندان و زندانی داشته باشیم

که ۷ سال را در بدترین شرایط شکنجه و آزار در زندان رژیم شاه خائن به خاطر آزادی سیری کرده بود.



سعادت سیر در زندان وین  
"سعادت" یک سال دیگر را در زندان گذراند. مجاهد مقاومتی

این بار اما، "سعادت" در بهار آزادی زندانی شد و همین جای نامف و شکستی است. این بار اما، "سعادت" را گزمه های امنیتی نگرفتند و به زندان نبردند، بلکه حجاج ماشاء الله قصابها که در سفارت آمریکا مستقر بودند! و از قضا در همین مدت برخی رابطهای پنهان و آشکارشان با جاسوسانی چون چارلز ناس رو شده است، "سعادت" را ربودند، شکنجه بقیه در صفحه ۱۱

## مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل (۳)

نظری به قرآن و ادیان توحیدی

با یک مطالعه در قرآن به سادگی می توان دریافت که این کتاب با تأکیدات مکرری که بر جامعه و حرکت احساقی دارد، سوجه استقرار یک نظام منستی بر مضع و رستگاری توده های مردم است.

قرآن همواره و در هر سراجی، در ظمرو احساق، گروه دکان فلسفی توحید را به مبارزه خاطر رهائی خلق فراخوانده و آنها را به "قیام به خاطر برپاداشتن سبط" مأمور و مسئول کرده است.

قرآن این مبارزه را به شایعی گواهی (احساقی) وجود خدا و تأکید حبس گیری کمال طابانه سسی می داند:

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله.

ای آنها که ایمان آورده اند برپادارنده و سناز تمام کننده به قسط باشید و (از این طریق) جدا را گواهی کنید.

در سوره زعد، معیار شخص حق و باطل خبرات، عسکرها و موضع گیری های افراد و سروهها نامس مضع مردم، ذکر شده است:

"گذلک یضرب الله الحق و الباطل فاما للزید فیهذه حقا و اما ما ینفع الناس فیهذه حق فی الارض." (آه ۱۷ سوره زعد)

خدا حق و باطل را جس منل می زند که (باطل) چون کف از سین رفتنی است. اما (حق) و آنچه در حبت مضع مردم است بر روی زمین باقی می ماند.

نظری احساقی به تاریخ ادیان توحیدی و به خصوص اسلام به حوسه بقیه در صفحه ۱۱

**شهادت در زندان  
مظلومانه ترین شهدا دستها  
قتل جنایتگاران نهی حضرت آیت الله صدر  
و خواهرانشان در بغداد نشانه ای دیگری بر  
خلق و خوی فاشیستی عمال بعثی عراق**

مجاهدین خلق ایران ضمن تسلیت، این فاجعه به امام خمینی و تمامی مردم، به پیروزی هر چه سریعتر آزادی و عدالت را برای ملت برادر عراق و همدی انقلابیون راستین آن آرزو نمودند.

## مجاهدین خلق ایران هرگونه نور چشمی گری در دانشگاهها را محکوم می کنند

بنابه احسار مندرج در مطبوعات روز فتنه انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم از تخلیه دانشگاه خود داری ورزیده و گفته است که ماتحویل گیرنده ای دفا تر سایرین هم هستیم و منتحویل دهنده! (ضمن اینکه ما پس ترتیب روشن می شود که همین عناصر جاری تحویل دهها شهید و هزاران زخمی و دهها هزار مضروب حوادث اخیر دانشگاهها هستند، بسیار دگر سهر گونه توطنی از این قبیل را محکوم و بغوریت خواستار خاتمهدادن به هرگونه نور چشمی گری در دانشگاهها هستیم.

حای شکستی است که عده ای که خود شاعر توحید آزادی گروههای دانشجویی را ابداع کردند، چگونه به خود اجازه می دهند که خود را حقوق انحصاری استاد دهند.

# دانشگاه، همچنان سنگر آزادی بر جای خواهد ماند

تربیت دانشگاه صرف می‌نماید.  
دانشگاه شیراز -  
در حلقه‌های جنای بدست  
دانشگاه شیراز به حیوانات  
دانشجویان عشاری و ...  
بعضی از محتوای

صفت فاحشه را وقتی درمی‌یابیم که  
گویی دشمن اصلی خلق محروم و  
رنج‌دیده ما یعنی آمریکا که این  
روزها تمامی هم و غم خود را  
صرف توطئه علیه انقلاب ایران  
کرده است، به کلی فراموش شده  
است. و مرتجعین به حق دشمن  
اصلی خود را انقلابیون و عنصر  
آگاهی بخش دانشگاه بافته‌اند. تا  
جائی که دانشگاهی که در جریان  
انقلاب از طرف توده‌ها، سنگر آزادی  
نام گرفته بود، این بار کانون فساد و  
پانگاه امپریالیسم نامیده شد.

طبق برنامی که از اسفندماه  
طراحی شده بود، قرار بود،  
اجنم‌های اسلامی به عنوان باروی  
اولیه اجرائی آن به کار گرفته شوند.  
قصه داشتند که تحت پوشش دروغین  
غیر نظام دانشگاهی و انقلاب  
فرهنگی، دانشگاه را به آتوب و  
خاک و خون بکشند، تا مقدمات  
قدم‌های بعدی توطئه فراهم شود،  
در این راه به انواع و اقسام  
توطئه‌های ارتجاعی، متوسل شدند.  
آن چه که در این جا قابل  
توجه است کذب‌گویی‌ها به دفع  
چه کسانی است، آن چه مسلم است  
به دفع استحکام درونی جسمه حلی  
و نهایتاً انقلاب ایران خواهد بود -  
ذلیل گرازی بر چند مترده و  
مختصر از این حطی گسره  
به دانشگاهها و مدارس عالی را ارائه  
می‌دهیم:

**توسل به املحه در مدرسه عالی  
توجه مفیدی**  
در حلقه به این مدرسه،  
اجنم اسلامی مدرسه از ابتدا تا  
پشتیبانی از سلاح‌های ام-۳۰، بوری  
کوت، عملیات شهروانه؛ خود را  
گرفت. ساعت ۱۱ بعد از ظهر پنج  
شنبه دانشکده را به انتقال خود  
درآوردند، وقتی با ورود سانسیر  
دانشجویان مواجه شدند، ابتدا به  
تهدید دانشجویان پرداختند و با  
سلاح‌های گرم، اقدام به تلیک تیر  
هوائی کردند، سپس دانشجویان را  
دستگیر کرده و کاروان اسرا!! به راه  
آداختند.

**دفاع قهرمانانهی خواهران دانشجو  
در دانشگاه متحذین**  
برتجعین جمادار که در تیر  
جمعه با مقاومت قهرمانانهی خواهران  
دانشجو روبرو شده بودند، و تا  
ساعت ۹ صبح نتوانسته بودند، کاری  
از پیش ببرند، ناچاراً تا به تازگی  
توسل به عوفی‌ساز، عده‌های از افراد  
آگاهه و نگ را بسج کرده و وفحانه  
به زنجیر خواهران حلقه کردند ولی  
پس از ضرب و جرح‌های فراوان باز  
موفق به درهم شکستن مقاومت آنها  
نشدند، لذا از درهای دیگر و از بالای  
دانشگاه به طرف داخل راه‌بر  
شدند. مهاجمین جفاقدار پس از این  
که دانشگاه را محاصره کرده و با  
ممانعت از ورود و خروج، دانشجویان  
را در داخل دانشگاه زندانی کردند،  
خواجگانی را نیز که در بیرون  
دانشگاه قرار داشت، محاصره کردند  
و خواهران دانشجو را سرگردان  
گذاشتند. در این حلقه، مهاجمین  
کلیه تلفن‌ها را قطع کردند.

**هجوم به مدرسه عالی علوم بانکی  
ده‌ها زخمی و مجروح بجای گذاشت**  
ساعت ۸/۵ بعد از ظهر جمعه  
حدود ۲۰ نفر از اعضای اجنم  
اسلامی با همراهی ۱۵۰ نفر جنای  
بدست با سگ و چاقو و چماق به  
دانشجویانی که در طول روز از مدرسه  
حفاظت می‌کردند، حلقه کردند.  
در این حلقه که در حضور  
پاسداران مستقر در محیط، انجام  
شد، ده‌ها نفر از خواهران و برادران  
دانشجو مجروح شدند. که مهاجمین  
حتی مانع از انتقال مجروحین به  
بیمارستان می‌شدند.

در حلقه بعدی در ساعت ۵  
بعد از ظهر روز شنبه مهاجمین سادرت  
روز جمعه ۲۹ فروردین انصاف  
اجنم اسلامی به نام دانشجویان  
بی‌روح‌خاتم دست به انتقال دانشگاه  
کرمان زدند، این حلقه قبل از نماز  
جمعه صورت گرفت نحوی که نتوانند  
پس از نماز جمعه درمی‌را که برای  
نماز آمده بودند، دانشگاه‌شانند  
بگذار خاضعی نماز، نمازگزاران و  
دریشتاپش آنان روحانیون به طرف  
دانشگاه حرکت کرده و سه این

روز جمعه ۲۹ فروردین انصاف  
اجنم اسلامی به نام دانشجویان  
بی‌روح‌خاتم دست به انتقال دانشگاه  
کرمان زدند، این حلقه قبل از نماز  
جمعه صورت گرفت نحوی که نتوانند  
پس از نماز جمعه درمی‌را که برای  
نماز آمده بودند، دانشگاه‌شانند  
بگذار خاضعی نماز، نمازگزاران و  
دریشتاپش آنان روحانیون به طرف  
دانشگاه حرکت کرده و سه این

روز جمعه ۲۹ فروردین انصاف  
اجنم اسلامی به نام دانشجویان  
بی‌روح‌خاتم دست به انتقال دانشگاه  
کرمان زدند، این حلقه قبل از نماز  
جمعه صورت گرفت نحوی که نتوانند  
پس از نماز جمعه درمی‌را که برای  
نماز آمده بودند، دانشگاه‌شانند  
بگذار خاضعی نماز، نمازگزاران و  
دریشتاپش آنان روحانیون به طرف  
دانشگاه حرکت کرده و سه این

# پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم قهرمان مشهد



پیام خدا  
دشمن حق کفران ایران با صلوات اللہ علیہ و تعالی  
به شهیدان عزیز

خداوند برادران گرامی، شهیدان اورنگین و  
دشمن دیکه از حواسش برین شترانیه کرمی همچنان که گرفت داشتند، جادوهای دشمنان را در زمین نشسته  
خاروش سازند، تا شامت با حاکمانند صحت خود، یکدیگر گریختند، که در انگشتر با حلقه‌های سبزین نور خواهد بود.  
پس برکتین به بدیشان و در دشمنان بی‌بهره تلاش می‌کند، کوشش می‌کند که در این راه خود را به قربت با حق  
عبد السلام برادران، این روز مسیح گذرانند و پیشکش کند.

دشمنان است که دستنه قربانان که به هم گریخته است، دشمنان دوا انداخته است، پارسه می‌گردد در زمین سربندای از دوران  
این خواب ماند، و بگذرد کار از دست حق، در روزی سادرت تا به برادرهای خود، در راهی عزیزان از  
جن مجاهد شود، و در این راه، جان نثاران را بر این است، سینه‌های گت و در فرمای روشن شامت کرمی، و خاندان  
برای برکت به هرات.

من دوستی منک سادرتان و برادری که دل و داس برجا شود، از جانب نامی فرزندان و خواهران و برادران مجاهدان  
دو اسکر کند، یکدیگر از این سگوند و شیاق خونین به هدی، با خدا وطن تا کرمی که نهاده است، و توعیری در روزی واقفان با  
خاطر آزادی در درازی و وضع تا تحقق عبادت، جلوت و توعیری همچنان در دستاب ترن، اسلای خود در درازن راهی خود  
چنین از برای نخست حادثه رواخت، نفس شهیدان در سنگر که در راهی و در راهی و در راهی و در راهی  
همیشه سیر کردی تا ستم، امپد، و برت ران و در راهی که در سنگر با جارت نامی در مسدود و سایر فادان سادرت  
نامی به هدی و مجروحان حادثه را زمین زرد کرد و در راهی برت، در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت  
است ران عابدی دانشگاه، تر، با در سنگری می‌نماید، در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت  
است ران عابدی دانشگاه، تر، با در سنگری می‌نماید، در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت  
است ران عابدی دانشگاه، تر، با در سنگری می‌نماید، در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت

شهیدان عزیزان،  
اگر این حلقه که در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت  
نیت برادران و خواهران صحت شما را یادماند، تر، و در راهی خود سادرت، و در راهی خود سادرت  
۱۳۰۶

## بتناسبت روز جهانی کارگر

از امروز سری سوم "سرودهای  
انشار انقلابی مجاهدین خلق" شامل  
سرودهای: خون - کارگر - بروتین  
جهاد - مین شهیدان - مستضعفین  
و منظومه می‌میداد با حدیث، تقدیم  
می‌شود.  
نوارها را فقط از مراکز وابسته  
و کتابفروشی‌های هوادار مجاهدین  
خلق و نیز نمایندگه کتابفروشی‌ها  
مجاهدین خلق واقع در نقاط صدق  
ظالطانی، خیابان انزلی، بلاک ۱۴  
تهیه فرمائید.

## سی امین سالگرد شهادت کارگران قهرمان قائمشهر گرامی باد

چهارم اردیبهشت یکی از  
روزهای افتخارآمیز مبارزات کارگری  
ایران است. در اواخر فروردین سال  
۱۳۲۹ کارگران قهرمان کارخانه  
ساجی قائم شهر، دست به  
اعتصاب زدند. این اعتصاب که  
نزدیک به ۸ روز طول کشید، از مهم  
ترین حرکات کارگری در زمان خود  
بود، رژیم ضد خلقی حاکم که در  
برابر آزادی بولادین کارگران  
ننواخته بود، از شیوه‌های تهدید  
طنبع و نفقه اندازی، نتیجه‌های  
بدست آورد، سلاح گرم و سرنیزه  
به کارگران بوش برد. در این حلقه  
وحشانه ۵ کارگر شهید و عده‌ای  
زخمی شدند.  
کارگران که در مبارزات خویش  
بر علیه نظام بیوسیدی حاکم دریافته  
بودند که بین خلق و ضد خلق هیچ

## رعایت حداکثر آرایش

دستاوردهای انقلابی و عقیم ساختن توطئه‌هایی که چه از خارج  
و چه از داخل کشور تحصیل می‌شود، توجه تمامی نیروهای خلق را  
نسبت به اهمیت حفظ آرایش در چنین موقعیت حساسی برمی‌انگیزد.  
بی‌تردید افزایش شتج و درگیری داخلی جز به سود دشمنان  
اصلی خلق ما یعنی همان امپریالیست‌های جهانخواه امریکایی که  
اخیراً نیز اوضاع داخلی ما را "باوخت روزافزون" توصیف کرده‌اند  
نبوده و نیست. از سوی دیگر شانه‌هایی در دست است که از افزایش  
چشمگیر فعالیت‌های سیا و بقایای ساواک و سازمان جاسوسی انگلیس  
در داخل ایران خبر می‌دهد.

بنابراین ما از تمامی نیروهای خلق و از تمامی مسئولان دولتی  
و گروه‌های مختلف هوشتاری و رعایت حداکثر آرایش را انتظار  
می‌بریم.  
تذکر این نکته تمامی گروه‌ها و دانشجویان مبارز و قهرمان  
نیز ضرور است که در این ایام تنها با حفظ نظم و آرایش و اعلام  
خاضعی هر نوع شتج و درگیری می‌توانیم توطئه بی‌ثواب گشتاین  
محیط آموزشی کشور را خشتی نمانیم.

و این تنها مسیری است که در پیشگاه توده‌های مردم با افشای  
نیات باطنی آنها، که سلسله آزادیهای انقلابی را مدنظر دارند،  
راه تحقق آزادیهای مزبور را هموار خواهد نمود.  
بنا بر این ماهرگونه اقدام هرج و مرج طلبانه و ماجراجویانه را  
هم در هر کجای کشور محکوم می‌کنیم؛ اقداماتی که در این شرایط پرغم  
ضدیت‌های ظاهری با محدود کردن آزادی‌ها جزیه هر چه محدودتر  
نمودن آنها نسی انجامد.

مجاهدین خلق ایران  
۵۹/ اردیبهشت/۵۹

گونه رابطه‌ی انسانی وجود ندارد،  
برای رهایی از جنگ ظالمان و  
استشارگران آساده‌ی شهادت  
بودند، آنها جنازه‌ی کارگران شهید  
را همچون پرچم خونینی بدون  
کشیدند با گذشتن از کوجه و  
خیابانهای شهر، مبارزه را از کار-  
خانه به میان توده‌های مردم بردند.  
این اعتصاب و تظاهرات با  
دستگیری وسیع کارگران و دوام  
حکومت نظامی در کارخانه سرکوب  
شد، ولی بیش از سه هزار کارگر  
ساحسی با الهام از شهیدان در  
سالهای سیاه دیکتاتوری همواره در  
مقابل رژیم حاکم و با کینه‌ای عمیق  
بمبارزه‌ی پر شور خود ادامه دادند.  
ضمن تبریک چهارم اردیبهشت  
۵ تن از کارگران  
ساجی قائم شهر به همی کارگران  
میهن و بخصوص خواهران و برادران  
کارگر در ساجی، یادشان را گرامی  
می‌داریم.



# با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار نفر پیکر بخون طپیده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین فام به خاک سپرده شد.

روز ۳ شنبه دوم اردیبهشت ماه، مردم شهید شاهد یکی از بزرگترین و پرشکوه‌ترین مراسم تشییع در شهر خود بودند. بدینال شهادت شکرالله در جریان حمله جاساداران وواباش تحریک شده به دفتر مجاهدین خلق در مشهد، سازمان مجاهدین خلق ناخعی خراسان طی اطلاعیه‌ای از مردم دعوت کرد تا در مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید مشکین فام شرکت کنند.

با اینکه قرار بود مراسم از ساعت ۹/۵ صبح آغاز شود ولی امروز جمعیت از ساعت ۷ صبح در مقابل بنارسان صفی گرد آمده بودند. قبل از حرکت، جمعیت ناله بر ۲۵ هزار نفر می‌شد. در این هنگام یکی از مادران به نام مادر محمدزاده با سخن چند دقیقه‌ای و بی‌سوز خود، آمواس حاصل حازه را بوی بران به آرامی به حرکت درآورد و رست آن سبل جمعیت که دو انگشت خود را به علامت بی‌سوزی بالا نگاه داشته بودند. ما آرامی و نظم کامل، نه طرف فلکی نمی‌آید براه افغان در دست بسیاری از تشیع کنندگان ناخعی کل‌دیده می‌شد. جمعیت هر لحظه رو به افزایش می‌گذاشت. بسیاری از مردم نیز با حالت تاس در مسیر عبور تشییع کنندگان، آماده بودند. آتیا یا یکدیگر راجع به این جنات، کواپسگرایان

مرتب شده بودند، صحبت می‌کردند در این هنگام دوما هزار جمعیت، با شعارهای: شهادت شکرالله حامی مستضعفین، بدست امیرالایم حامی مستضعفین - پرتوان، برخوردش علیه امیرالایم - خون شکور می‌جوید، مجاهد می‌خورند - مجاهد مجاهد، ساد تو قلب ماست - این سند جنایت ارتجاع است - از فلکی تفریاد، چهارراه لشکر، خیابان خمینی، خیابان خسروی، به سمت فلکی آب، در حرکت بودند. در دست راهبیمان عکسهای بسیاری از شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران بر خصوص عکس بناگذاران سازمان و عکسهای امام خمینی و بدرطالقانی و مجاهد شهید شکرالله مشکین فام دیده می‌شد. همچنین بلاگردانی حاوی سخنانی از برادر مجاهد سمود روحی توسط راهبیمان حمل می‌شد. در مسیر راه سخنانی، بر سروروی جمعیت گل و نقل و کلاب باسند می‌شد. این راهبیمانی که شرکت کرد، دانشجو، دانشجو، معلمین و کارمندان دانشگاه، برنگان و برنگان بنارسانیا، کارگران و اصناف و سایر گروههای مردم، انجام می‌گرفت. از نظر نظم و انضاط انقلابی بی‌نظیر بود. در ساعت ۱۲ ظهر، سبل جمعیت که بیش از صد هزار نفر بود



وارد می‌آورد، تشییع جنازه‌ی ما شکون فام تلور عینی رسالت بود. ساعت یک بعد از ظهر مراسم سحرانی آغاز شد. ابتدا آتیا از قرآن مجید تلاوت شد و آنگاه مفسر مجاهد شهید، از زندگانی و خصوصیات "شکور" صحبت کرد. آنگاه استاد علی نهرانی سخنانی ایراد کرد. بعد از آن محمود اثنی، عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و عضو هیئت تحریریه نشریه مجاهد، بیست و نهمین نواز گرفت در این هنگام مردم یکصد نفری بودند: سلبت برادر مجاهد، و سبب برادر مجاهد سخنانی ایراد نمود. در این هنگام با پایان گرفتن مراسم خاکسپاری و سحرانی‌ها، شور بقید رصفحه ۴

## سخنرانی برادر مجاهد محمود اثنی عضو هیئت تحریریه مجاهد

دفاع کردن ما از ستاد مجاهدین، دفاع کردن از سنگ و آجر نیست، حتی دفاع کردن از سازمان نیست، بلکه دفاع کردن از یک ایدئولوژی، یک مکتب و یک مردم که راهشمان انسان است می‌باشد.

سخنرانی برادر مجاهد محمود اثنی در ابتدا سلبت حصار نا شعار سلبت، برادر مجاهد آغازید. بسم الله الرحمن الرحیم

الذین قالوا رسال الله ثم استقاموا، و بنام شهیدیکه امروز در کنار تنتون علیهم السلام که الله اول تحافوا و لا جزئوا و استروا بالجنه الی کتیم توعدون.

آن کسانیکه فریاد زدند، بروش دهنده‌ی ما و تکامل یختن ما الله است و در این مسیر مقاومت، استقامت کردند، ملائکه بر آنها فرو فرستاده می‌شوند (ومی‌گویند) هرگز نتزسد و اندوهگین نمیشود، و برسا بنابر باد بهشتی که به شما وعده داده شده است.



بالاترین ارزش‌هایش است، ثابت کردید که مجاهد خلق را می‌شود به بند کشید، زندانش کرد، سر دستش را تکست، و بالاخره مجاهد خلق را می‌توان قطعه، قطعه‌اش کرد، اما اراده‌ی او را در راه رسیدن به حقش در راه استیقای حقوق مستضعفین

## پیام استاد محمد تقی شریعتی

آنچه اندوه و تأثر مرا در این واقعه (حوادث دانشگاه و سایر مراکز) فزونی بخشیده است این است که در نظام جمهوری اسلامی رخ می‌دهد!

بسم الله الرحمن الرحیم و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء عند ربهم بزرگون شهادت یکی از فرزندان اسلام راستین و تشیع علوی، در حوادث ناسف انگیز و تلالت بار اخیر دانشگاه و سایر مراکز، همه‌ی کسانی را که نسبت به سرنوشت کشور و آینده انقلاب احساس مسؤلیت می‌کنند، منالم و منائر نموده. این شهیدی است که خانواده‌ی مئدین مشکین فام، به اسلام و جامعه هدیه داده است و کم نیستند خانواده‌هایی که چنین افتخاری تحصیل نموده اند. آنچه اندوه و تاسر برادر در این واقعه سایر حوادث مشابه در کشور فزونی بخشیده است، این است که در نظام جمهوری اسلامی رخ می‌دهد که از آن آرمان صلح و صفا و برادری و برابری داشتیم و به مردم دنا هم وعده می‌دادیم که ما امت نموده خواهیم بود. من صن تبریک و تسلیت به خانواده مشکین فام بویزه پدر و مادر و همسرای شهید دست نضر به درگاه ایزد متعال بلند می‌کنم و از سویدای دل سوختام مسئلت می‌کنم که خداوند به همدی ما آگاهی و بصیرت و تقوی و دور اندیشی و خیر خواهی و سعی صدر عتایت فرماید و کشور عزیز و انقلاب سکومندان را از گزند حوادث و آسیب دشمنان غدارو دوستان نادان مصون بدارد که از من بعمار و عللیل جز دعا و تذکر کاری ساخته نیست.

انه محبت تربیت محمد تقی شریعتی تبریاتی

## سخنرانی برادر طاهر احمد زاده

بگریه، اما سخن از کدام دین؟ دین حسین ما دین معاویه، ما دین نبوت فوق دارد، فرقی در چیست؟ در نماز؟ نه، نماز سرحایتی بود، در روزه است؟ نه، در حج و مناسک حج؟ نه، ایداً، در مسجد و مادمه و اذان؟ ایداً، در ریش و تسبیح و عمامه است؟ ایداً، پس در چیست؟ فرق دین حسین با دین بربید، ایست که دین حسین، دین صد استعمار، دین صد استعمار، دین صد امیرالایم و صد استعمار، دین حرت به مقام اسان، دین آزادی، دین قسط و عدالت است، دین جامع‌ایست توحیدی بر مبنای قسط، سی‌یابد، ای مشرکها مرا در آغوش

ایران احساسات شدید مردم ما شعار آزاده، آزاده، طاهر احمدزاده، خواهران و برادران تقاضا می‌کنم، به شکر فرستد، (الله اکبر حصار)

بسم الله الرحمن الرحیم سلام بر خواهران و برادران عزیز، درود همتی ما و درود خدا به ارواح پاک همه شهیدان، شهیدان راه حق، شهیدان انقلاب به ویژه شهید امروز ما که بر مراسم کرد آمده‌ام، (درود حصار) سخن را بر برابر این شهید، ما سخنان سسرور شهیدان حسین آغاز می‌کنم.

## سخنرانی استاد علی تهرانی

آقایان خوب است صحبت بکنید، راجع به بعضی از کارها و وظایفی که داریم. بر حسب آن چه که من تشخیص می‌دهم، مقداری با آقایان صحبت کنم، خوب است. من در خدمت‌های الفبا می‌کنم، امداورم هم و باراجبی و واقعا حسنگی فنول کردم، اسال الله قدری سمره‌عراچی خدمتان الفبا می‌کنم، امداورم هم خود من هم تنها اسال الله به دستور جدای حسانی، به دستور سنی اکرم عمل کنم، و در خدا می‌خواهم که از بارماندگان این شهید خونخورد باشد، و دعا می‌کنم، اسال الله در راه خدا همیشه بیروز باشد و از راه

اعوذ و بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الله رب العالمین، منحنی - المستضعفین و مملک الطامعین و قاطع دابرالمستبدین و المستکبرین و الصلوه علی خیرالمسئلمین و اللسه الطاهرین و بعد نقد قال الله تعالی فی کتاب قل انما اعظمک بواجده ان تقوموا لله مشنی و فرادی تم تشکروا و ما صاحبکم من حنه ان هو الا بذیرکم بین یدی عذاب شدید.

من واقعتن این است که انرژی صحبت کردن را در جودم می‌بینم ولی دوستان گفتند: چند کلمه‌ای با

# با شرکت بیش از ۱۰۰ هزار نفر پیکر بخون طپیده‌ی مجاهد شهید شکرالله مشکین فام

## به خاک سپرده شد.



هسر مجاهد شهید شکرالله مشکین فام در حال قرائت قرآنی از زندگی بر افتخار مجاهد شهید مشکین فام.

باز می‌گشتند. به راستی مانند عمده، هم‌دسته‌ی بزرگوار بود و نقل و شورش بی‌ساری از سوختن گریه می‌کردند. تارها دوباره اوچ‌گرفت (مجاهد، مجاهد، سادون قلم‌نامه‌ها) همه بودند. فقط تگری نبود بسیاری از زخمی‌های حوادث اخیر، به صف خروشان مردم بی‌بوسه بودند؛ علیرغم مخالفت برخی از آنها در تشییع جنازه برادرشان شرکت کردند در میتزین، تجدید دیدار با ساختمان "حقیق" صبر و منات بر سرکوه چسد روزی برادران و خواهران، منابع لازم را، به بار آورده بود. صدها زخمی، یک شهید، انواع حملات، سرکشان‌ها، بی‌حرمتی‌ها و در مقابل آن، در صفوف منظم سرودخواندن سرایت به ناز حاجت، ایستادن در زیر گار سنگ و تهمت، با خدا عهد و پیمان خویش و مقدس راناره کردن، و سکر آزادی را حفظ کردن، به راستی در هر سر بر سر آن ساعتی قلب آزادی در ساختمان حقیق تراد. به طبع در آمده بود. آن آزادی، ماندنی بود، به اگر بجها معاوت می‌کردند حما می‌ماند که ماند. و ایسگران از این بوطنه



بزرگان و پرستاران مشهد بیمارستان صدق و امام رضا طی رامیابی و نظارات اعمال ارتجاعی جفاقداران را محکوم کردند.

پاک شکرالله را که از اسلام دفاع شیوه‌های و ایسگران‌اندی صدا ساسی می‌کرد به زمین ریخت و صدها نفر و صداسلامی به خوبی آگاهند و همینه را مجروح نمود. مردم مشهد هنوز این پیام قرآن را زمزمه می‌کنند. اطارات فداره بنیان آریامپری وسیلم الدین ظلمو ای مقلب را فروموش نکرده‌اند و به این پیغلیون

مردم برای بازگشته به شهر اوچ‌گرفته بازخوانند کتت، بازگشت مردم و بود. زیرا برادر محمود اثنی در برادران و خواهران به ستاد، از سخنرانی خود مرده داده بود، که همچنان انگیزترین صحنه‌های به یاد طبق مذاکرات لازم با مقامات، ماندنی بود، مردم پس از خاکسپاری بعد از مراسم همه به ساختمان حقیق شکرالله به حالی که او شهید شده بود وجود نمی‌داشت و نداشت تنها همین شهید قهرمان، این سرود سینه‌ای شکستند این محرومین، این مبارز سادیا گواه حفاظت راه ما ست. راه ما راه جاداست. راه نود هشت، شهید ما شکرالله مشکین فام ما خون خودش سپادت داد، به حرف.

## اطلاعیه‌ی احسان شریعتی

### فرزند معلم شهید دکتر علی شریعتی

#### در باره‌ی حمله حماقداران

#### به ستاد مجاهدین خلق

خداوند مجاهدان و مستضعفان را از حاکمان و حاکمانی که سرکوه چسد عبادت شکن‌ها می‌کند و شهیدهای دیگر کرده است و محض ما سرور حور و ایستاد کردیم و شهیدهای دیگر کرده است و بی‌غشای مغرور استحقاق روینسی

## سخنرانی

### برادر مجاهد محمود اثنی عضو هیئت تحریریه مجاهد

حالت، خونه حال شهیدانکه در شرایط سخت و دشوار مبارزه هم‌چنان برمی‌یونند خودشان، هم‌چنان بر عهد خودشان استوار می‌باشند، راهی را که مشکین فام پیروی، راهی است که مجاهدین گذشته پیروی، راهی است که ناصر صادق‌ها سمدانزگانی‌ها علی میهدوست‌ها علی باقری‌ها، که چند روز قبل سالگرد شهیدان را گرامی داشتیم، پیروی، ما بر این باوریم که در ۳۰ فروردین به جای هفت مجاهد شهید یاد هشت مجاهد شهید را گرامی خواهیم داشت (برای احسان مردم) نه تنها شکرالله مشکین فام، بلکه همی آن خواهران و برادرانیکه در جریان حملات کتت خوروند، دستشان تکت. خیلی خاها مرز شهادت رفتند، ما داریم هنوز خواهران و برادرانیکه در بیمارستان بستری هستند و در مرز شهادت قرار گرفتند، این‌ها هم شهیدای زنده هستند، خی هستند، شهید هستند آری داستان ما داستان انحصار طلبان، داستان دونا اسلام است مسئله بر سر اسلامی است که مردمی و صادق و انقلابی است، منطقی و جوب و جاق و تفنگ نیست، اسلامی است که حامی مستضعفین است. نه انحصار طلب نیست. سعی صدر دارد، این است داستان درگیری و مجاهد شهید نیز قربانی همین درگیری شد، درست به همین خاطر هست که ما باجنین برادران و خواهران صدیق و پاکبازان و روبرو هستیم، خواهران و برادرانیکه از صبح در این هوای گرم راه می‌یونند آمدند اینجا، خسته و کوفته، تابان شهیدان را گرامی بدارند، برادران و خواهران جای تنریک گفتن دارد، حماسه‌های مقاومتی که شما خلق کردید، این حماسه‌ها در روزهای شهید گذشت و به جاهای دیگر نیز سربایت کرد، حماسه‌های

دفاع کردن ما از ستاد مجاهدین دفاع کردن از سنگ و آهن نیست، حتی دفاع کردن از یک سازه نیست، بلکه دفاع کردن از یک اندولوزی، یک تکت و یک برام که راهنمای انسان است، می‌باشد تکتی که انسان را تا قله توحید نارسد، به حاصه‌ی بی‌ظنقی نوبندی هدایت و راهنمایی می‌کند (اسرار احسانات مردم) ما بر این قناره‌ها نه تنها کوچکترین خللی در عزم راسخ ما ایجاد نخواهد کرد بلکه هم‌چنان ما را مصمم بر برای رسیدن به آرمانهای توحیدمان بسپ خواهد نمود. آخر ما این را از رهبران و پیشوایان تکتی‌مان خواهیم گفت، که ما ما گفته‌اند، مومن باید از آهن هم سخت‌تر باشد، المومن سسیر در اندید، ان الحدید اذا ادخل فی النار، تغییر وان المومن اذا قتل ثم نشر ثم قتل، لم یتغیر قلیبه مومن، از آهن هم سخت‌تر است. آهن را اگر توی آتش بگذاریم و بعد بیاوریم بیرون چند تا جکش بزنیم، تغییر شکل پیدا می‌کند. اما اگر مومن را بکنی زنده کنی، (هفتادبار این کار را تکرار کنی) لم یتغیر قلبه، قلبت تغییر نمی‌کند، بله خواهران و برادران ایستای حلی خروشان‌تر هم چون آتش‌نشان، برتور مثل بهار، خندان مثل شکوه‌های نوبهاری باشم، بخاطر این که اگر مردم و سل انقلابی را داشته باشم هیچ حزن و اندوهی نباشد خودمان راه ندیده، این مهم نیست که ستاد ما را به آتش بکشند، این مهم نیست که سرتاب ما را بسوزانند، گناهای ما را به آتش بکشند، اول خود ما را به آتش بکشند، مگر رژیم طاغوتی ما را نمی‌سوزانند، بکشند نمی‌کند، نمی‌کند، ولی مگر می‌تود

نظم‌های حتم یک خلق را نابود کرد، این آتش خدائی است آتش خلفی است. فروان است، هرگز خاموش ندی نیست، اگر آزادی مردم اگر سر بلندی اسلام، اگر رهائی جامعه، اگر سایه‌ی امپریالیسم، اگر نابودی استعمار، ما کشته شدن و با سرودت کشته شدن ما به گرفته شدن سادها می‌باید، بی‌سایه‌ی همه‌ی شخیرها، ای همه‌ی نغمه‌های صد خلقی، به رزی ما نشانه روید، که ما پیرو هر کسی نباشیم (برای احسانات مردم) نه هرجال و مرجال ما به بیان مستقیم، ما خدا و خلق سنیق داریم که لحظه‌ای از این سنیق نگذاریم ما را بکشند، حتی اگر لازم باشد دریائی از خون ماروان کرد (برای احسانات مردم) ما تاکنون ستاره‌های، تقدیم آسمان این خلق کردیم، باز هم اگر لازم باشد آسمان این خلق را غرق در ستاره‌ها خواهیم کرد (برای احسانات مردم) اگر ما با جفاقداران بر خورد منقلب نگردیم که این که نواش را ندانیم، بلکه دیدگاه ما ایستد که در شرایطی که امپریالیزم و در راست امپریالیسم وحشی آمریکا دشمن اصلی ما و ناخواسته‌ی ما به خلق ما هجوم آورد هر گونه درگیری جهانی خلق نیروهای درونی خلق را به ضرر انقلاب و اسلام می‌دانیم، اگر ما از درگیری اجتناب کردیم، به خاطر این بودیم که در حال ما امروز بر سر مار بکنی از شهیدان جمع شدیم، شهید مجاهد شکرالله مشکین فام اسنای آزاده، مردی دالیر و انقلابی که تمام وجودش عشق به سازمان بود حامی امکان‌هاش را در راه سازمان گذاشته بود، نگذارد خاطراتی از آن صرف بود، سال ۵۲ با حسن شهید مجاهد در زندان بودم موعنی که بقیده صفحه ۱۴

## قلب هر مستضعف و کارگر و دهقان و قلب هر محروم و رنج‌دیده‌ی ستاد واقعی مجاهد خلق است

نگارید ترجمش هرگز ای می‌خواهند کنید، نگارید سا را از مرکزتان یعنی از خانه‌تان بیرون بزنند، نگارید سرودت شمارا که تا کنون جز در سیر مبارزه با امپریالیسم در حرکت در نمانده، شکستد آخر حی؟ نگارید نخت عنوان پاکسازی به تراکز انقلابیون، جفاقداران را فرستند و حمله کنند، اما این گناه بیان این را نمی‌دانند و نمی‌فهمند اگر شما از خانه‌تان بیرون کردند، اگر مجاهدین را از مرکزتان بیرون کردند، قلب هر مستضعف، قلب هر کارگر و دهقانی، قلب هر محروم و رنج‌دیده‌ی مکان واقعی و ستاد واقعی هر مجاهد خلق است، (کف زدن مستند هره‌ها با شعار مجاهد، مجاهد ستاد تو قلب ما ست)

## آخر "شکرالله" یک بار دیگر هم در زمان طاغوت "نه" گفت

داستان شکرالله مشکین فامها، داستان عیارماتنی‌ها، داستان رضا حامدیا، برادریکه چند روز قبل در خمین به رگبار نیروهای و ایسگران ارتجاعی بسته شد و شهید شد. این است داستان همی نیروهای راستین، بله خواهران، برادران، اگر ما نیز در مقابل ترجمش کرنش می‌کردیم، سکوت می‌کردیم، در مقابل مسائل جامعه بی‌تفاوت بودیم، انفرادان را مطرح نمی‌کردیم، امروز مجاهد شهید مشکین فام نیزه تنها شهید نشده بود، بلکه نوجوشی هم بود، بیست و مقام هم داشت، اما به مجاهد خلق هرفشاری را می‌نویان وارد کرد، اما نمی‌نویان او را از آرمانهایش جدا کرد، (برای احسانات حصار) آخر شکرالله یک بار دیگر هم در زمان طاغوت "نه" گفت و ترجمه‌ی این نه گفتن، یک سال تکت و زندان بود و امروز هم باز "نه" گفت، شهید شد، خونا به

این مهم نیست که ستاد ما را به آتش بکشند، مهم آزادی مردم و سر بلندی اسلام است.





بقیه از صفحات

با این بیان، و با سنجی که از ماهیت سیستم ارتش آهنگاری صورت گرفته، هدف از این برنامه با اصطلاح آگاهسازی هم جز به معنی تخصص پرسنل و ایجاد دورآزمایی ارتش و مردم و توسعه‌ی کادربود هدایت کردن آذهان و آسانها در سیری که خوش آید از پایان است نمی‌باشد. خوب است معنی برنامه آگاهسازی را از زبان خود مدعا بنویسیم.

# آگاهسازی یا تحمیق و اختناق در ارتش آریامهری

- با شناختی که از ماهیت سیستم ارتش شاهنشاهی گسب گرد ما میم، هدف از برنامه می با اصطلاح آگاهسازی هم جز تحمیق پرسنل و ایجاد دورآزمایی بین ارتش و مردم و توسعه‌ی جوی گدب و هدایت کردن آذهان و انسانها در مسیری که خوش آید از پایان است، نمی توان ندیا شد.
- یکی از مشکلترین و مسئلهسازترین نقاط برای رژیمهای ضد مردمی و ارباب با نشان، عنصر "انسانی" است یعنی، موجود آزادی گمی توان ندیا گاهی گسب کند و بر علیه آن نظام بشورد.
- قیام بهمین نشان داد که چگونه آگاهی اصیل و اراده‌ی خلق می توانند تا روپود عنکبوتی ضد اطلاعات را درهم بشکنند.

است عنوان جمعیتی است که این افسر خود را بدان وابسته می‌داند یعنی "مارکسیست اسلامی". کسانی که حتی مظلومی محضی در ادیان الهی و فلسفه ماربرالیسم دیالکتیک دانسته باشند بخوبی به سافر و صدست اسفندی ماربرالیسم دیالکتیک به دوم دیالکتیک می‌گوید... تکمی قابل توجه اینکه همین سطح به خاطر حفظ منافعت، اسلام (تکلیف خدابرسی) و ماربرالیسم (تکلیف خدا) را با هم تلفیق نموده و این چیزی نیست جز فریب احساس مادی و روحی بی مطالعه."

آبایوسندگان این سن اگسون هستند و می‌بینند که چگونه پرسنل انقلابی ارتش از برگرد جویی به عنوان بسیار این راه ما می‌کنند بر مکتب و عنقدهی او با دسفال کردن راهش صحنه می‌گذارند؟

مضامین این عوامفریبی‌ها را پرسنل دلمر ارتش در بیوسنسان به قیام خلق نشان دادند. ارتش شاه و فرماندهان برده و وابستگان با بلاغت و حاشیتام فکر می‌کنند که می‌توانند با این برنامه‌ها ارتش را جدا و کارزارنامه مردم برای خود حفظ کنند. اگر وابستگان و مابوسندنیان احساسی حق است (کفایت) پس صحبت نظری و احساسی می‌تواند مایع نمودت و بات و جوسی انقلابی حاشیه در ارتش گردد. تمام همین باه‌سان داد که چگونه انقلاب اصیل و اراده‌ی خلق می‌تواند تاز و بود عنکبوسی ضد اطلاعات را درهم بشکند بر پایه - های آگاه سازش را بی اثر سازد. این واقعت را پرسنل دلمر و ستمگف ارتش درحاکم و چون گسب ۱۶ افسر و سرتوخه در لوزان، بر سرک دوراهمنیانی و در کس فرماندهانی که روز ۱۷ سپتامبر فرمان فصل عام عمومی را صادر می‌کردند به اسات رسانیدند. آری تمام پرسنل بهرمان هوایی در سپتامبر سال ۵۷ نقطه‌ی آغاز آگاهسازی به تمامی امری گلمه بود. این آگاهی ماند که برای ایجاد ارتشی برمی و تمامی برای آگاهسازی معنی هموار سازد، آگاهی که از حیلها و نه برسانی حواس امیرالیسم، بلکه درصفا حاصل درک منابع خلق و مابوسندگان را سمنند بود.



همن!!! زیر پانزده نگاه کن تو دست خریفی

دین هرکام از پورسهای حاشی کنار یک دکتر حافظ است

۱- و ماند افسر حشمان سنان دهد که افسر معدوم حشمان می‌کرده به راه بندخت می‌رود درحالیکه از نظر مذهبی فردی مطرود و گسراه دوراهمنیانی و در کس فرماندهانی که روز ۱۷ سپتامبر فرمان فصل عام عمومی را صادر می‌کردند به اسات رسانیدند. آری تمام پرسنل بهرمان هوایی در سپتامبر سال ۵۷ نقطه‌ی آغاز آگاهسازی به تمامی امری گلمه بود. این آگاهی ماند که برای ایجاد ارتشی برمی و تمامی برای آگاهسازی معنی هموار سازد، آگاهی که از حیلها و نه برسانی حواس امیرالیسم، بلکه درصفا حاصل درک منابع خلق و مابوسندگان را سمنند بود.

با نوسل به تهدید و تسویق، پرسنل را به سالن سخنرانی بگاسد. علت این عدم موفقیت هم شرایط عینی آحادی بود که در نتیجه اختلافت فاحش نظامی در ارتش و احتیاط و بیعتی و... بوجود آمده بود. حتی گاه این برنامه منسها تسخعی مطلوبی برای طراحان بره بار می‌آورد بلکه باعث دیدنی بنسرت پرسنل نسبت به ضد اطلاعات و آسانتی بسرت آنها با واقعات اجتماعی و سیاسی می‌گشت. به عنوان مثال پس از فرار و نهادت برگرد جویی رژیم که ضربه سنگینی تسخمل شده و همسر از آن گسرت و نبود جو انقلابی به داخل ارتش هزاران گسبم بود. صدت بوجه و برساندن پرسنل برآمدت به همین منظور سخنرانی این سسرامت که تسخاش منقح حد سسرامت رژیم گسب تا به اعتراضات ضد اطلاعات: "ما قبل، پس از احرام سخنرانی و سسرح گسب برگرد معدوم علی محمی به وسلسلی فرماندهان (ص-ها) (اداره ضد اطلاعات) در یکی از نگاهیا دورتر ایزار دانسدانی برنامه ارتش مطلوبی روی سسوسندگان باقی بگاسدت زیرا از نحوه سخنرانی اسطور اسنماط شد که صبعده کاسسکه به سسحر برورد تا علاقانی به سساحر دمی دانسه باشند بورد بوسطن ضد اطلاعات تزار می‌گسردت.

دست است این مطلب را دکودو بعداً" موضوع برنامه آگاه سازی دیگری است از زبان گردانندگان این برنامه‌ها در کتب که در حاکم خود دندگاه آنها را به جویی سسوان می‌سازد: "کس محمی (حاوی سن، اسلاب، سسوقانی، منقش سسولسندو شخص سسون بگاسد ضعف حفاظتی و تلاش بیکری، بنهه گردیده منصن نکات ظریفی است که اگر سخنران بوسصحات تکلمی به آن اضافه نکسد

پرسنل در برنامه واحد آمار شرکت کنندگان! استفاده در برنامه‌های بعدی از پرسنلی که در زمینه مسائل حفاظتی مطالعه دارند. ۵ - ارائه کنشایی (تصویر) (مخلفه که از طبقه‌های خارج شده‌اند. ۶ - ساخت فیلم‌های سیمانی که دارای سن اطلاعاتی باشد مانند فیلم (هرگز بنگامی را بسوس) و امثالهم که هنوز هم نکات اطلاعاتی آن در ذهن پرسنل بوده و هست. حتی این اواخر برای حصول اطمینان گاهی از سسحعی، جنگویی و ناشر احراج برنامه‌ها که فرم نظری-خواهی بنهه شده بود که سسازایان برنامه آگاه سازی سن حد فرار پرسنل برگرد سسقم می‌شد و سسحعی آن برای بهره‌برداری به برکراسال می‌گسردت.

الته اسناح هم ساعی اربابان آریکاتی از سر حشرات گویانند که و سسوال اسن اسن فرماندهان برای کس رهسودها و جرحیات لازم در این زمینه به آریکا و گسروهای اربابانی اعزام می‌داندنی التسل در سال ۵۶. بفر برای سسمن مطرود و اطلاع از سوهی احراج این گسده و برنامه‌ها راهی آریکا دندت. با اسعاده از سسمن جرحیات بکودر کسرت و ارتش و سسوال سسومستانی از برنامه‌های گویان در این رابطه مدارک می‌دندت.

وجه تسحصه و بزرگی گلمی این برنامه‌ها، ازبلا به باشن بودن و تمامی بودسنان بود. رژیم در حالیکه هرگونه جحمی را به سسددین وجه سرکوت می‌کرد و کات بودن به داخل بادگانی از نگاهان کسیره و سسوج سسددین سسیمها بود، مدعی بود که صدت دارد تا آگاه کردن پرسنل آنها را از سر و گردت "حاشی" و "مارکسیسهای اسلامی" و... بصون و برحدت دارد (گسب آگاهی از فرماندهان قلمبه دوس با از بودی مردم؟)

برنامه‌های با اصطلاح آگاهسازی جگوه تا نجام می‌گسرت

برنامه‌های با اصطلاح آگاهسازی قابل مجموعتای از برنامه‌های سسرمی، مقاله و بولس‌های آمورسی سسرمی، سسوال اسن اسن فرماندهان اطلاعات و ضد اطلاعات بودند آنها موظف بودند وقت سسالی را هر حریفه با ماهانه با مدارک گلمی و سسائل و جرحیات در نظر گسرمه و برنامه را به اجرا در آورند. حتی اسفدور سس بر این بود که احراج ترامس سسرای سسرازان، در حده‌ایران، گسردسنان و اسمران در ۴ حله حد گاسه احرام گسردت. با بوجه ناسخت حاشی که این برنامه‌ها برای رژیم داشت، صد - اطلاعات ها اکناتات فراوانی برای اسن مطور در احصار دانسدت. بهر سسخت از آن در واقعه بود، فرماندهان ارتش با برنامه‌های معدود سسنگی و ماهانه (که بعداً سسرت به آن اشاره خواهد شد) سسعی سسوال اسن اسن در ارتش حاکم گردانسد از نبود آگاهی در سسمن ارتش و پرسنل جلوسگری به سسخل آوردن باشن برنامه‌ها می‌خواستند از جو حواس جامعه، که مخصوص اسن از آغاز سسارزهی سسحانه اشناح حریفه سسیری از بوم در در صفا سسائل رژیم سسکل می‌کرد و چون بچود، دسرت با زود ارتش را سسرت بر سسرت گسرت، سسرت دسوار بادگانی با سسرددهای حشیری حون با اصطلاح برنامه آگاه سازی، سسوف نمایند. رژیم گاه برای به حرکت در آوردن سسالی نظایی حود در مقابل بونود مردم سسالی سسواس به سسرددهای سسعی می‌چون و سسرا اواسر را گردن بگاسردت و کوزگروانه از فرماندهان مزدور آریکاتی اطلاع سسعی، کسده سساید. به همین منظور سسعی می‌گسرت، برنامه‌های تربت و سسمر ادشمان و سسرها را به سسکی که حود می‌خواست و به حجوی که سسپا در حدت سسسم باشد سسکل سسمت دسد. سس اسن بلدیات حشاری را در دیدنی و سسفر نسبت به گلمی سسروها و اشکار انقلابی در جامعه حخت این عنوان که هر حرکت و تفری که مخالف رژیم سلطنتی باشد، عامل بنگانه و اجسبی - برست و گسومست می‌باشد ایجاد

## "آگاهی" مهربانان

اگر حسام معتمدات حاشی، سسرمی از علاه‌ی سسبکری‌های ضد اطلاعاتی و کسبوتی سسعدت... به کار گسرمه می‌نوسد ولی همور یک نقطه‌ی نامشکی (الته ارتش آنها) وجود داشت که حفاظت و برخورد با آن سسول اسسگسرس و سسامل سسرس بقاط رژیم و اربابانی بود. آری سسرمی اسسالی بود. معنی بوجه آزادی که می‌نویسد آگاهی کسب کند و بر تله می‌نظام بسورد، مخصوصا که رژیم سسرمی تفرماناتی نظیر سسرت گسرت محمی‌ها را سسرسی حسم داشت و سسخت از آن در واقعه بود، فرماندهان ارتش با برنامه‌های معدود سسنگی و ماهانه (که بعداً سسرت به آن اشاره خواهد شد) سسعی سسوال اسن اسن در ارتش حاکم گردانسد از نبود آگاهی در سسمن ارتش و پرسنل جلوسگری به سسخل آوردن باشن برنامه‌ها می‌خواستند از جو حواس جامعه، که مخصوص اسن از آغاز سسارزهی سسحانه اشناح حریفه سسیری از بوم در در صفا سسائل رژیم سسکل می‌کرد و چون بچود، دسرت با زود ارتش را سسرت بر سسرت گسرت، سسرت دسوار بادگانی با سسرددهای حشیری حون با اصطلاح برنامه آگاه سازی، سسوف نمایند. رژیم گاه برای به حرکت در آوردن سسالی نظایی حود در مقابل بونود مردم سسالی سسواس به سسرددهای سسعی می‌چون و سسرا اواسر را گردن بگاسردت و کوزگروانه از فرماندهان مزدور آریکاتی اطلاع سسعی، کسده سساید. به همین منظور سسعی می‌گسرت، برنامه‌های تربت و سسمر ادشمان و سسرها را به سسکی که حود می‌خواست و به حجوی که سسپا در حدت سسسم باشد سسکل سسمت دسد. سس اسن بلدیات حشاری را در دیدنی و سسفر نسبت به گلمی سسروها و اشکار انقلابی در جامعه حخت این عنوان که هر حرکت و تفری که مخالف رژیم سلطنتی باشد، عامل بنگانه و اجسبی - برست و گسومست می‌باشد ایجاد

## عملیات مجاهدین خلق...

فعال دانشجویان در اراز سهران بر اسفند ۵۶ و اعصامات سساروی دانشگاه در اواخر سال ۵۶، سسنگی به سسالی از هدهای سسمت سسحانه و در رابطه معال با هدهای آن صورت می‌گسردت. مبالا سسخت سسحانه سسرا سلط سسحانهی حود با روش گردن انبهاات سسالی - استراتژیک بچودو بسوط اسن سلط، بچوات رسد و گسرتی سسرمی سسحانه سسخت خلفی و به خصوص بچوات رسد و گسرتی سسسن دانشجویی و آرد کردن سسروهی سسبه در آن را فراهم می‌آورد.

هنگامی که عملیات وسع سسند آریکاتی از حله اعدام تزارال براس سسرت سسرویه‌های امیرالیسهای آریکاتی در ایران به عنوان مخالفت و اعتراضی علیه ما از طرف سساران مجاهدین خلق صورت می‌گسردت و سسفالاد دانشجویان با سسظواهر سسروز و مخالفه‌های شدت حود و سسگاران اتوسسل حامل سسکس و شاه‌چاهینگار از اسن عمل سسناح حاشی می‌گسرت و با سسمنظور وقتی سسرتب ظاهری فرماندهی گارد ضد انقلاب رژیم حلد سسوخواری که سسالها رهسری عملیات برگرد دانشجویان را عهده داشت، بسوط مجاهدین خلق اعدام می‌گسردت. (سپتامبر ۵۶) جلوه‌های روشی این همگاری، احاد و ارشاط سسفال و فعال سس سسبت

## شیوه‌های مختلف تحمیل آگاهی!

اجرای این برنامه برای حود پرسنل ضد اطلاعات از اخص سسیری بچوردها بود. در بولس‌های آمورسی ضد اطلاعات برای اشکار آماده می‌گسرت مطالب سساری جمع‌آوری شده بود. از جمله سسعات طولانی و مقالات سسرمی بود که حخت عنوان "بررسی یک سسالی با مارکسسم اسلامی" آموزش داده می‌شد. حخت سسبت که سسعال اوج گسرتی "حشس سسحانه در ایران و خطری که رژیم بخصوص از برنامه‌ها با اصطلاح آگاهسازی سس سسرمی بنا اسوار باشد.

سرت بوسسراهی مختلف از: بونوسرن سسوهاتی که در رابطه با برنامه‌های مذکور به کار گسرمه می‌شد سسرمی بوسسراهی برای حسم کردن اشکار و مفاسد طراحان بود. طرح زبر از حله سسوهاتی است که بنهه شده است.

۱ - سسرت بوسسراهی مختلف از: سسالی با سسائل و سسکلات جاری سسالی و ارتش، هسنگونه که گسبه در ترامس سخنرانیهای بچویی برای پرسنل، حداطال مایح بیکار انجام می‌شد.

۲ - دیدنی است که این سساله در سساری موارد بورد سسوجه سسراز می‌گسرت و ضد اطلاعات مجبور بود

## تحمیل آگاهی!

اجرای این برنامه برای حود پرسنل ضد اطلاعات از اخص سسیری بچوردها بود. در بولس‌های آمورسی ضد اطلاعات برای اشکار آماده می‌گسرت مطالب سساری جمع‌آوری شده بود. از جمله سسعات طولانی و مقالات سسرمی بود که حخت عنوان "بررسی یک سسالی با مارکسسم اسلامی" آموزش داده می‌شد. حخت سسبت که سسعال اوج گسرتی "حشس سسحانه در ایران و خطری که رژیم بخصوص از برنامه‌ها با اصطلاح آگاهسازی سس سسرمی بنا اسوار باشد.

سرت بوسسراهی مختلف از: بونوسرن سسوهاتی که در رابطه با برنامه‌های مذکور به کار گسرمه می‌شد سسرمی بوسسراهی برای حسم کردن اشکار و مفاسد طراحان بود. طرح زبر از حله سسوهاتی است که بنهه شده است.

۱ - سسرت بوسسراهی مختلف از: سسالی با سسائل و سسکلات جاری سسالی و ارتش، هسنگونه که گسبه در ترامس سخنرانیهای بچویی برای پرسنل، حداطال مایح بیکار انجام می‌شد.

۲ - دیدنی است که این سساله در سساری موارد بورد سسوجه سسراز می‌گسرت و ضد اطلاعات مجبور بود



همن!!! زیر پانزده نگاه کن تو دست خریفی

دین هرکام از پورسهای حاشی کنار یک دکتر حافظ است

۱- و ماند افسر حشمان سنان دهد که افسر معدوم حشمان می‌کرده به راه بندخت می‌رود درحالیکه از نظر مذهبی فردی مطرود و گسراه دوراهمنیانی و در کس فرماندهانی که روز ۱۷ سپتامبر فرمان فصل عام عمومی را صادر می‌کردند به اسات رسانیدند. آری تمام پرسنل بهرمان هوایی در سپتامبر سال ۵۷ نقطه‌ی آغاز آگاهسازی به تمامی امری گلمه بود. این آگاهی ماند که برای ایجاد ارتشی برمی و تمامی برای آگاهسازی معنی هموار سازد، آگاهی که از حیلها و نه برسانی حواس امیرالیسم، بلکه درصفا حاصل درک منابع خلق و مابوسندگان را سمنند بود.

## عملیات مجاهدین خلق...

فعال دانشجویان در اراز سهران بر اسفند ۵۶ و اعصامات سساروی دانشگاه در اواخر سال ۵۶، سسنگی به سسالی از هدهای سسمت سسحانه و در رابطه معال با هدهای آن صورت می‌گسردت. مبالا سسخت سسحانه سسرا سلط سسحانهی حود با روش گردن انبهاات سسالی - استراتژیک بچودو بسوط اسن سلط، بچوات رسد و گسرتی سسرمی سسحانه سسخت خلفی و به خصوص بچوات رسد و گسرتی سسسن دانشجویی و آرد کردن سسروهی سسبه در آن را فراهم می‌آورد.

هنگامی که عملیات وسع سسند آریکاتی از حله اعدام تزارال براس سسرت سسرویه‌های امیرالیسهای آریکاتی در ایران به عنوان مخالفت و اعتراضی علیه ما از طرف سساران مجاهدین خلق صورت می‌گسردت و سسفالاد دانشجویان با سسظواهر سسروز و مخالفه‌های شدت حود و سسگاران اتوسسل حامل سسکس و شاه‌چاهینگار از اسن عمل سسناح حاشی می‌گسرت و با سسمنظور وقتی سسرتب ظاهری فرماندهی گارد ضد انقلاب رژیم حلد سسوخواری که سسالها رهسری عملیات برگرد دانشجویان را عهده داشت، بسوط مجاهدین خلق اعدام می‌گسردت. (سپتامبر ۵۶) جلوه‌های روشی این همگاری، احاد و ارشاط سسفال و فعال سس سسبت





# عملیات مجاهدین خلق در اردیبهشت سال ۵۳ به مناسبت سالروز شهادت پنج مجاهد خلق

در فروردین ۵۳ سازمان مجاهدین خلق مقر گارد دانشگاه صنعتی را که وظیفه سرکوب دانشگاه را عهده‌دار بود، منفجر کرد. و به دنبال آن بیانیهای منتشر کرد. قسمتی از این بیانیها را در شماره ۴۵ مجاهد ملاحظه کردید و اکنون ادامه آن را می‌خوانید.



دانشجویان به خصوص طی سال‌های ۴۵ از جمله اعصاب ۱۵ بهمن ۳۹ علیه انتصابات ظلمی شاه پشیمانی از نظرات معضلم ۱۲ اردیبهشت ۴۵ که به شهادت دکتر خاتمی انجامید. نظرات برتور دانشجویان دانشگاه تهران و دانش آموزان سایر دبیرستانها از جمله دبیرستان‌های دارالفنون، علمیه بروی در - ۴۵ که مهدی کثیر از مدرسه علمیه تهران در آن به شهادت می‌رسد و علاوه بر اینها شهادت توالی سال ۴۱ که در بهمن همان سال به نظرات وسیع دانشجویان علیه زرفراندوم فرسنگزانی شاه می‌انجامید. هتکی از مضمون صحیح سیاسی سرچوردار بوده و موضع انقلابی و افتخارگرای آنرا در برابر وظیفه جدیدی که از طرف امپریالیسم آمریکا تحت عنوان "انقلاب سفید" در تیرف کویس بود نشان می‌دهد.

سرکوب حسین مردم قهرمان ما در ۱۵ خرداد ۴۲ و کشتار بهترین جوانان سپه‌نظام توسط نیروهای استبدادی و نظامی شاه خائن، از جمله کشتار دانشجویانی که فعالانه به جنبش خلق پیوسته بودند، باز هم نتوانست حرکت فرایندی مبارزات دانشجویی را متوقف سازد. به طوری که در بهمن ماه ۴۵ فقط بعد از یک دوره‌ای زود که سه ساله‌ای اعصاب با موسوم به "اعصاب شهبه" در دانشگاه تهران، حیز شدت این مبارزه را در برابر دانشگاهها اعلام می‌کند. این دوره‌ی مبارزات دانشجویی که از سال ۴۵-۴۶ آغاز می‌شود، به علت شرایطی است که در آن حلقه‌ها و همچنین روش شدن مابست ضدملی برنامه‌های به اصلاح اصلاحی رژیم و فشار استعمار و حشانه‌های که بورژوازی وابسته به امپریالیسم بر قطب و اقتدار زحمتکش خلق وارد می‌نماید، امکان یافت که:

اول- شعارهای مبارزاتی خود را که از درخواست‌های صحنی از قبیل "تحصیل مجانی و حذف شهربانی" یا "برکاری رئیس دانشگاه" شروع شده بود، به سرعت تا سطح شعارهای سیاسی - دانشجویی روز مانند "استقلال آزادی سیاسی دانشگاهها" "حق مداخله و نظارت دانشجویان در انتخاب روسا و مدیران دانشکدهها" و بالاخره به سطح سیاسی‌ترین شعارهای صدامپریالیستی "مرگ بر سبیدی انقلاب" "مستمره بودن سس است" "دهقانان در سایه انقلاب! نبودند" ارتقاء دهد. ثانیا- خود را در سطح دانشگاهها و مدارس عالی کشور سرسری نماید. در واقع این خصوصیت یعنی ساسی‌تر شدن و سرسری جنبش دانشجویی خود شانه‌ی آمادگی شرایط انقلابی و جزئی از نوعیت رو به رشد انقلابی ایران به شمار می‌رود. اعصاب شهبه که از دانشگاه تهران آغاز شده بود، با حمایت فعال دانشجویان سایر دانشگاهها از جمله دانشگاه تبریز و یلیکتیک تهران روبرو شده و به سرعت به یک جنبش سرسری البته با شعارهای مختلف تبدیل می‌شود که سرسری سال ۴۶ را در بر می‌گیرد. نظرات برتور چند ده هزار نفری دانشجویان و راهپیمایی پرشکوهِ آن در همین سال در مراسم یادبود نخستین مه‌رمان ساز خلق، نوبت وزارت دانشجویی را تا حد همسنگی و قدرت شکل قابل توجهی نسبت می‌یازد. این هنگام به بعد جنبش دانشجویی ایران، حتی یک لحظه هم از حرکت باز نمی‌ایستد. اعصاب بزرگ معروف به "اعصاب انبوس" در اواخر سال ۴۸،

نظرات وسیع ضدصهیونیستی که با اعلام همدردی و همسنگی وسیع ضد صهیونیستی که با اعلام همدردی و همسنگی مردم و دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین توأم بود همچون حمله دانشجویان به کانون دانشجویان وابسته به انجمن ایران و آمریکا، اعصاب سرسری سال ۴۹ از جمله اعصاب آدرماه مربوط به مخالفت با کنفرانس سرمایه‌گذاران آمریکایی در ایران... نقاط اوج بروسی روند وزارت دانشجویی را طی سال‌های ۵۰ - ۴۵ نشان می‌دهد. در اعصاب و نظرات فعال سال ۴۸ که علیه گزانی لبط انبوس صورت می‌گیرد، جنبش دانشجویی گامی را می‌نهد که نزدیکترین مافع مردم طاس برقرار کرده و به مبارزه آنان می‌پیوندد.

دانشجویان با اتحاد تانکس برتحرک "جمع - حلقه" که از قتل یورد نواقی فرار گرفته بود، پلیس را در نقاط مختلف شهر غافلگیر کرده و خیابانها را به صحنه مبارزه خشونت‌آمیز خود با رژیم تبدیل می‌کند. مردم به حمایت از فرزندان خود برمی‌خیزند و رژیم شاه و حشدرده در مقابل چنین اتحادی عقب می‌شیند و مبارزه مردم به برف می‌رسد. همه جا در اغلب محافل مردمی در مدارس جنوب شهر، در قهوه‌خانهها در خانه‌های تنگ و مخرابه‌ی جنوب شهر، در گودها و سرکوبهای آهک بزی، صحبت از مبارزه برتور دانشجویان به نفع مردم زحمتکش می‌شود، و رنجیده‌ی وطن ماست. بکار دیگر مردم جنوب شهر خاطره‌ی دانشجویانی را به یاد می‌آورند که در بهار ۴۵ به ساختن شهر فروردین برای کمک به خانواده‌های سلب‌زده پرداخته بودند. آنان کلنگ به دست تا زانو در لجن‌های شهر فرو می‌ریختند تا بار دیگر مابست ضدملی و دشمنی رژیم زورور شاه را با مردم زحمتکش وطن با افشا کنند.

در واقع این شایسته‌ی رستی ارتباط فعال به دلیل رفته‌های متعددی که جنبش سلحشاه پشنتار را به جنبش دانشجویی پیوند می‌دهد، کاملا طبیعی و قابل توجه به نظر می‌رسد. جنبش سلحشاه ایران که جنبش تکامل مبارزات طولانی خلق ما و سنتی بر تجارت تاریخی حاصل از سنت، می‌بایست و این طبیعی بود که رابطه منحصربه‌فردی با جنبش دانشجویی ایران، به عنوان جزئی از براتیک مبارزه اجتماعی همین مردم برقرار کند. تجربه‌ی مادی‌ترین عناصر دانشجویی در براتیک مبارزات دانشجویی نیز استراتژی مبارزه سلحشاه را به عنوان ثنوی که قوانین حاکم بر واقعات اجتماعی ما توانست است به درستی منعکس سازد نماید می‌نماید. این معنی که براتیک شرایط اجتماعی در زندگی روابط اجتماعی این فقر و انگیان آن در محیط دانشگاه، یعنی براتیک دیکتاتوری و سرکوب و حشانه‌ی پلیسی و استعمار و سم می‌شد طبعانی و همچنین تاریخ مبارزاتی او همگی موافقی بودند که پشنتاری، عینی را برای صحت این نظرات، ارائه می‌دادند.

ازین جاست که جنبش دانشجویی هرچه بیشتر خود مبارزه سلحشاه و حمایت از پیششار سلح خلق، سازمان می‌یابد. روشنفکران انقلابی و دانشجویان مبارزه‌گرایترین خواصها و آرم‌های انقلابی خویش را در وجود سازمان‌های چریکی پشنتار، متحلی می‌بینند و عملیات چریکی این سازمان‌ها یا پشیمانی فعال سازمانز دانشگاهها حمایت می‌شود. نظرات برتور اردیبهشت ماه ۵۰ به خاطر بزرگداشت شهدای قهرمان جنگ و به خون کشیده شدن کارکنان زحمتکش جهان‌چیت، نظرات برتور

دانشگاه، سازمان داده شدند. بورژوازی وابسته و در رأس آن رژیم شاه مزدور می‌خواست دانشجویان را به سرکردگی "سازش یا نابودی" قرار دهد. با به خدمت سرمایه‌داری درآمده نیرو و فکر خود را در اختیار مردوران غارتگر جهانی قرار دهند و ازین راه برزخوار خوان استعمار سرمایه‌داری گردند و با درمقابل وحشانه‌ترین سرکوب حوسن پلیسی و تندترین ختوت ضدانقلابی بورژوازی فرارگیرند. در واقع سرمایه‌داری در حالی که در دستی سکی پول و در دست دیگر جمان سرکوب حوسن حویس را نگان می‌داد، در مقابل دانشجویان مبارز و قهرمان ما ظاهر شد. اما هر عده‌ی معدودی از به اصلاح روشنفکران و تحصیل‌کردگانی که با پشت کردن به مردم زحمتکش خود، و کورصفاه خود را به سپای زندگی شوع آور خرد بورژوازی که سرمایه‌داری خویشوار از نهری استعمار سلحشاهها خلق زحمتکش برارشان فراهم کرده بود، فروختند. اکثریت عظیم دانشجویان و روشنفکران ما با اوج‌دادن مبارزه‌ی شرافتمندانه‌ی خود با ساسی تر کردن هرچه بیشتر جنبش انقلابی خویش، مشت محکمی به دهان شاه و رژیم مزدور و دست نشانده‌اش کوبیدند.

## رابطه‌ی متقابل جنبش دانشجویی و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خلق

بدین ترتیب جنبش دانشجویی در ماه شکتی نوشته‌های جدید رژیم و تحت تاثیر جنبش سلحشاه‌ی نوپای ایران، وارد یک نقطه‌ی تحول‌گویی جدید می‌شود. مضمون اساسی این تحول عبارتست از ارتباط فعال جنبش دانشجویی با جنبش سلحشاه پشنتار و نزدیکی آن با جنبش‌های توده‌ای.

## اوج‌گیری مبارزات دانشجویی و برنام‌های امپریالیستی رژیم شاه در دانشگاه

هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات دانشجویی و پیدایش گروهها و هشته‌هایی که اشکال مخفی و سازمان یافته‌ی کار را پذیرفته و عمدتاً در جهت تدارک مبارزه‌ی سلحشاه قرار گرفته بودند، طراحان مزدور سیاست ارتجاعی طبقه‌ی حاکمه‌ی ایران نیز توطئه‌ی جدیدی را تحت عنوان "انقلاب آموزشی" طرح‌ریزی کردند که عمدتاً بعد از اجتماع مردم‌داران خائن ارتجاع حاکم ایران و در رأس آن شاه در راسر به مرحله‌ی اجرا درآمد.

در واقع هدف اصلی "انقلاب آموزشی" عبارت بود از تحریف سلسله آموزشی کشور در جهت ساختن کادر فنی - اداری، برای سرمایه‌داری وابسته و رو به رشد ایران و همچنین سرکوب جنبش دانشجویی. بدین منظور رژیم به دو اقدام مهم و موری دبل دست زد: ۱- وابسته ساختن دانشجویان به زندگی مصرف و اشاعه فرهنگ امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتیجتاً تبدیل آنها به مهره‌های ماشین سرمایه‌داری. ۲- ایجاد فشار و اختناق بیشتر پلیسی توسط استعمار گارد امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتیجتاً تبدیل آنها به مهره‌های ماشین سرمایه‌داری. ۳- ایجاد فشار و اختناق بیشتر پلیسی توسط استعمار گارد امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتیجتاً تبدیل آنها به مهره‌های ماشین سرمایه‌داری. ۴- ایجاد فشار و اختناق بیشتر پلیسی توسط استعمار گارد امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتیجتاً تبدیل آنها به مهره‌های ماشین سرمایه‌داری.

## گزارشی از جریان تحصن کارکنان بانک تهران

در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۲ کارکنان بانک تهران (ملی) طوماری تهیه می‌کنند که مضمون آن اعتراض به عدم پرداخت عیدی آنها بر اساس ضوابط تعیین شده از طرف شورای انقلا بوده و متذکر می‌شوند که در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ی مشروع، شخص خواهیم شود. در اطلاعیه‌ی عیدی، کارکنان اعلام می‌کنند که فعلا از تحصن خودداری نموده. تا بد که مسئولین جواب شامه دهند لکن ایران ما

می‌دارند که ۲۵ روز است. این خواست‌ها را به گوش مقامات رسانده‌ام، لکن نه تنها پاسخ فاع کننده‌ی عدم پرداخت عیدی آنها بر اساس ضوابط تعیین شده از طرف شورای انقلا بوده و متذکر می‌شوند که در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ی مشروع، شخص خواهیم شود. در اطلاعیه‌ی عیدی، کارکنان اعلام می‌کنند که فعلا از تحصن خودداری نموده. تا بد که مسئولین جواب شامه دهند لکن ایران ما

می‌دارند که ۲۵ روز است. این خواست‌ها را به گوش مقامات رسانده‌ام، لکن نه تنها پاسخ فاع کننده‌ی عدم پرداخت عیدی آنها بر اساس ضوابط تعیین شده از طرف شورای انقلا بوده و متذکر می‌شوند که در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ی مشروع، شخص خواهیم شود. در اطلاعیه‌ی عیدی، کارکنان اعلام می‌کنند که فعلا از تحصن خودداری نموده. تا بد که مسئولین جواب شامه دهند لکن ایران ما

می‌دارند که ۲۵ روز است. این خواست‌ها را به گوش مقامات رسانده‌ام، لکن نه تنها پاسخ فاع کننده‌ی عدم پرداخت عیدی آنها بر اساس ضوابط تعیین شده از طرف شورای انقلا بوده و متذکر می‌شوند که در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ی مشروع، شخص خواهیم شود. در اطلاعیه‌ی عیدی، کارکنان اعلام می‌کنند که فعلا از تحصن خودداری نموده. تا بد که مسئولین جواب شامه دهند لکن ایران ما

می‌دارند که ۲۵ روز است. این خواست‌ها را به گوش مقامات رسانده‌ام، لکن نه تنها پاسخ فاع کننده‌ی عدم پرداخت عیدی آنها بر اساس ضوابط تعیین شده از طرف شورای انقلا بوده و متذکر می‌شوند که در صورت عدم پاسخ مثبت به این خواسته‌ی مشروع، شخص خواهیم شود. در اطلاعیه‌ی عیدی، کارکنان اعلام می‌کنند که فعلا از تحصن خودداری نموده. تا بد که مسئولین جواب شامه دهند لکن ایران ما

## نامه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم به دادستانی کل انقلاب

مرگ را مشکوک نموده است. از آن مقام می‌خواهیم که با بگیری هرچه سریعتر این قصه، روشن کند که اولاً آیا این نسل ارتباطی به درگیری‌های روز جمعه داشته یا نه؟ و ثانیا این که این نسل از طرف چه عنصر یا عناصری انقلا افتاده است. انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم.

مرگ را مشکوک نموده است. از آن مقام می‌خواهیم که با بگیری هرچه سریعتر این قصه، روشن کند که اولاً آیا این نسل ارتباطی به درگیری‌های روز جمعه داشته یا نه؟ و ثانیا این که این نسل از طرف چه عنصر یا عناصری انقلا افتاده است. انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم.

تصحیح در مجاهد شماره ۴۶، در قسمت پورعلی، نظر ۱۳۱۴ بدین صورت تصحیح می‌گردد: ... پس از سقوط شاه در جنبش حمله‌ی چاقوکاران و افراد مسلح، با چماق‌های مرتجعین به خاک و خون کشیده‌است.

که مسئولین تعداد ۵ روز به حواست کارکنان و وضعی نمی‌گردد. اطلاعیه‌ی به امضای شورای اداری بروج بانک، در اعتراض به این وضع که در همان روز یعنی ۵۸/۱۲/۲۲ شروع شده بود، نموده و هم چس مضمون مضمونهای که حاوی خواسته‌های کارکنان بانک بوده صادر می‌نماید.

حاجدگان هسات مدبری بانک و بانک مرکزی از کارکنان می‌خواهند که به شخص جامعه داده و خواسته‌ها را با هسات مدبری و بانک مرکزی و شورای انقلا مطرح نمایند. در پاسخ آنها کارکنان اظهار

راست محترم دادستانی کل انقلاب محترم عرض می‌نماید. بدینال درگیری‌های روز جمعه، ۵۹/۱/۲۹ و هجوم عناصر جفاقدار به دانشگاه تربت معلم، عده‌ی زیادی از بزرگان و خواهران ما متوجه شدند صم براهعه و بی‌گوشی و بی‌حسوس، این کمال ناسف ما حسد می‌بخان فردی سرچورد کردیم که مطابق اظهارات مسئولین بیمارستان توسط یک ماسک لبرز شماره شده، متعلق به کمسیه‌ی سلطه‌ی ۶ به بیمارستان سنا منتقل و حسد را مقابل بیمارستان رها کرده و بدون اینکه تحویل بدهند از محل دور شده‌اند. روی حسد در ناحیه‌ی صورت و کویس آثار کبودی دیده شده و بدن و لباس خیس بوده است، که این وقایع کس در سخن روزنامه‌های عصر دیروز منعکس شده‌است. اینک با توجه به مراتب بالا





# سخنرانی برادر مجاهد محمود انصاری

بقیه از صفحه ۴

اختیار ما هست. بنابراین ما بعد از خاتمی برایم، محمد باقر خاتمی خودمان خواهیم رفت (ابراز احساسات شدید مردم، ما همه جانی نوایم مجاهد، مجاهد بیروز است، ارتجاع نابود است، بی‌دام کفهمی خواهان و برادران، خسته شده‌اند، اما اجازه ندهید چند دقیقه دیگر هم تشریف داشته باشد تا مراسم تمام شود بعد انشاءالله همه به‌سواد می‌رویم بنابراین از همه خواهان برادران و خواهران می‌کنم که به ساختمانیکه در خیابان بهشت‌داشته‌ام کسی نرود، و به حرف انتظامات برادران و خواهرانی که در آن جا هستند دقت نکنند و گوش نکنند موفق باشید. (ابراز احساسات مردم)

بقیه از صفحه ۴

## سخنرانی برادر طاهر احمد زاده

(ع) در سبوح اللانه می‌گوید: بصیرت و فی‌العین قندی و فی‌الحق شجاع. سیر انقلابی مردم مثل کسی که خار به چشمت فروخته بود و اسحواں راه گویی را گرفته بود. شما خواهان و برادران، حمله‌ای از سبز انقلابی آورید. شما خواهان و برادران، مثل درنگ‌های کف‌سازم با سبز، انقلابی علی‌السلام بودیم و انقلابی می‌باشیم. منافع منکم و انقلاب را بر سر ایران بازم آمریکا در برابر صهیونیست‌ها بر سر خاور نظام فاسد می‌باشند و هرگز فدای آن گونه‌ای نمی‌شود. دروغ حداد و دروغ باسار حداد بر سرنا بیرون رانستن راه او باد.

برادران برای شما بازگو کردند، اما من می‌خواهم از شما یک تقاضای کوچک کنم، به خاطر حرمت انقلاب و به خاطر پاسداری از خون شهیدان که در آنجا ریخته شده است. برای رسیدگی به جایی که در مشهد اتفاق افتاد و یک شهید ما را از دنیا برد، من می‌خواهم از شما تقاضای رسیدگی به این مسئله داشته باشم. این را خواهان ما از اعلام‌رسانان و مسئولان در این خصوص می‌خواهیم. این را خواهان ما از اعلام‌رسانان و مسئولان در این خصوص می‌خواهیم. این را خواهان ما از اعلام‌رسانان و مسئولان در این خصوص می‌خواهیم. این را خواهان ما از اعلام‌رسانان و مسئولان در این خصوص می‌خواهیم.

# گفتگو با مردم در جریان بازدید از جنایات ارتجاع در ساختمان حنیف

مردم مشهد برای بازدید از ساختمان حنیف، تعدادی از برادران و خواهران ما در آن جا حمله آوریدند. به طور مرتب مراجعه می‌کنند، در اولین روز در حمله ما چندین از بازدیدکنندگان مشاهده‌های انجام گرفته که در زیر برخی از آنها آورده می‌شود: یک بازدیدکننده، اعمال وحشیانه‌ای انجام دادند. راهپیمایی خیلی خوب، فعالیت سیاسی حق فرآورد است و سر حزب‌نویسی مجاهدین است. حمله کنندگان بی‌وزن و افسی دولت و امام هستند. یک بازدیدکننده، دست‌های خائنی در کار است که مردم را تحریک می‌کنند و به حال هم می‌گذارند. راسی چرا خواهد شد تفاوتی ندارد؟ این همه تبلیغات دادند. یک کارگر، اعتراضی را اعلام کرد. حمله‌ای از سبز انقلابی آورید. شما خواهان و برادران، مثل درنگ‌های کف‌سازم با سبز، انقلابی علی‌السلام بودیم و انقلابی می‌باشیم. منافع منکم و انقلاب را بر سر ایران بازم آمریکا در برابر صهیونیست‌ها بر سر خاور نظام فاسد می‌باشند و هرگز فدای آن گونه‌ای نمی‌شود. دروغ حداد و دروغ باسار حداد بر سرنا بیرون رانستن راه او باد.

مردم مشهد برای بازدید از ساختمان حنیف، تعدادی از برادران و خواهران ما در آن جا حمله آوریدند. به طور مرتب مراجعه می‌کنند، در اولین روز در حمله ما چندین از بازدیدکنندگان مشاهده‌های انجام گرفته که در زیر برخی از آنها آورده می‌شود: یک بازدیدکننده، اعمال وحشیانه‌ای انجام دادند. راهپیمایی خیلی خوب، فعالیت سیاسی حق فرآورد است و سر حزب‌نویسی مجاهدین است. حمله کنندگان بی‌وزن و افسی دولت و امام هستند. یک بازدیدکننده، دست‌های خائنی در کار است که مردم را تحریک می‌کنند و به حال هم می‌گذارند. راسی چرا خواهد شد تفاوتی ندارد؟ این همه تبلیغات دادند. یک کارگر، اعتراضی را اعلام کرد. حمله‌ای از سبز انقلابی آورید. شما خواهان و برادران، مثل درنگ‌های کف‌سازم با سبز، انقلابی علی‌السلام بودیم و انقلابی می‌باشیم. منافع منکم و انقلاب را بر سر ایران بازم آمریکا در برابر صهیونیست‌ها بر سر خاور نظام فاسد می‌باشند و هرگز فدای آن گونه‌ای نمی‌شود. دروغ حداد و دروغ باسار حداد بر سرنا بیرون رانستن راه او باد.



می‌کنیم منظور چیست؟ کاری کردند (معمولا حمله موفقی که آزاد می‌شوند، به این دلیل تا خودخوان می‌رفتند بیرون که می‌توانستند باز هم فعالیت کنند.) اما این شهید مجاهد گریه می‌کرد، می‌گفت آخرین چه جوری جادیشتم، من نالها دنبال مجاهدین می‌گشتم، مجاهدین را پیدا کردم، حالا کجا بروم، این روحیه انقلابی شهید، نشان دهنده عشق و ایمان و علاقه‌ای او به سازمان مجاهدین بود. به این دلیل که سازمان را تبلور ایدئولوژی واقع - گرای توحیدی می‌دانست.

**دعوت از مردم برای تماشای آثار ارتجاع**

ما از مردم دعوت می‌کنیم که با دیدن سواد مجاهدین دیدن کنید تا بفهمند ناهاگر این بدعنوانان اسلام چپ‌پوده است؟ و به عنایت سینه‌ها که وقعی از ارتجاع صحت

**مردم مشهد می‌پرسند: چه کسانی در پشت پرده جنایاتی که در مشهد انجام گرفت وجود دارند؟ چه کسی دستور سیج گروهی از سلاخهارا برای حمله به ستاد مجاهدین صادر کرد؟ آیا این است اسلامی که حضرات اسلام پناه مدعی آن هستند؟**

## سخنرانی استاد علی تهرانی

اعوان صفا در این آیه تریقه به‌شان تفاوت نباید کرد، ما تا مل حکم مستقل شده‌ایم خودشان جهت نبود. آن حکم اجرا شود. سبب به حاشی نسبت به کسی که خطا کار و بی‌روی می‌کردند از کفر خودشان، است جنایت کرده، ظلم و حریه دارند، ولی بدون حکم حاکم شرع بدون این که حکم قاضی باشد، حق رهبر می‌شناختند و سرمدارهای نداریم، جسی کافر را حق ندارید، که بکشید به شما چه که این کافر است یا کافر نیست، شرک را حق، این آیه تریقه را ببینید و صفت‌الفعال آن احد من المؤمنین استوارک فاجزه.

اگر یک شریکی از تو طلبت امان کرد، این که فانی باشد، بدون این که او حاجت‌الفعال باشد، فکانشا تنزل‌الناس جميعا، این فانی فاعلی مردم است. کسی که حتی نال عمدی نکند، حاشی در جیب است، مگر ما برای خودمان برای مال و مال کار می‌گردیم، اموال داریم، خاک بر سر ما، و محکوم است. به واقع اگر می‌گویند که ما مسلمان، هدف داریم، خدا برینم، لاله حرکت می‌کنم، بخارمان تنها لاله‌ها در غار باعد و در عمل...؟ هوا را می‌گوید، سبب‌النار ندارد، عمل ما اثر دارد، یا اگر لاله‌ها، باید علمان لاله باشد، آجانی که خدا گفته روح‌ولو ترمز به اینکه ما ترمز دست خودمان نباشد، روی خشم و غصب خواهیم حرکت کنیم... این آیه تریقه را می‌برایان می‌خواهم، سبب که قرآن همیشه رسیده است، سوره ابراهیم آیه ۲ و برزو الله جميعا، ففقال الضعفا للذین استکبروا انا كنا لكم تبعا قبل انتم بغفون عثمان عذاب الله من تبي قالوا لو هدانا الله لهديناكم سواء علينا اجزعتنا ام صرنا مانا من محيي.

مردم مشهد برای بازدید از ساختمان حنیف، تعدادی از برادران و خواهران ما در آن جا حمله آوریدند. به طور مرتب مراجعه می‌کنند، در اولین روز در حمله ما چندین از بازدیدکنندگان مشاهده‌های انجام گرفته که در زیر برخی از آنها آورده می‌شود: یک بازدیدکننده، اعمال وحشیانه‌ای انجام دادند. راهپیمایی خیلی خوب، فعالیت سیاسی حق فرآورد است و سر حزب‌نویسی مجاهدین است. حمله کنندگان بی‌وزن و افسی دولت و امام هستند. یک بازدیدکننده، دست‌های خائنی در کار است که مردم را تحریک می‌کنند و به حال هم می‌گذارند. راسی چرا خواهد شد تفاوتی ندارد؟ این همه تبلیغات دادند. یک کارگر، اعتراضی را اعلام کرد. حمله‌ای از سبز انقلابی آورید. شما خواهان و برادران، مثل درنگ‌های کف‌سازم با سبز، انقلابی علی‌السلام بودیم و انقلابی می‌باشیم. منافع منکم و انقلاب را بر سر ایران بازم آمریکا در برابر صهیونیست‌ها بر سر خاور نظام فاسد می‌باشند و هرگز فدای آن گونه‌ای نمی‌شود. دروغ حداد و دروغ باسار حداد بر سرنا بیرون رانستن راه او باد.

**تذکر:**  
ضمین سورن از استاد علی نهرایی و سردم ماروز سندی سندگر می‌بوم که به علت نقص نوار، سخنرانی نوانسیم بعضی از حصالات ایشان را مباده کنیم.



# مردم گرایی توحیدی و مردم گرایی مبتذل (۳)

روشن می‌سازد که انسان از همان آغاز رسالت خود، به سرای مردم می‌رود... اهداف انقلابی خود بسنج می... می‌داند. می‌داند که اسلام با طلوع خود و در همان زمان حیات پیامبر یک نظم نوین مردمی و انقلابی را جایگزین نظم انزوا و ضد مردمی قبلی نمود. علی (ع) چنان به خلق عشق می‌ورزید و چنان با آن‌ها در می‌امیخت که امروزه هر کس سوره‌های آن را مطالعه می‌کند غریز در حیرت می‌نفتد (به نامی علی (ع) به مالک اشتر و ناکبند او در ساری مواظبت از بوده‌ها رجوع کند).

اعتقاد به رای و اراده مردم در موضع گیری‌های علی در این کلام او که در یکی از خطبه‌های آواز خلافت خود ابراز نموده به خوبی شهید است:

اما والدی فلق الحبه ویرا التمه، لولا حضور الحاضر و قیام الحجه بوحد الناصر و ما اذلاله علی العظماء لایقاروا علی کلمه ظالم و لا عقب ظالم، لا لقیح حبلیها علی غاربها و... (خطبه ۳)

## چشم اندازی گام دیان توحیدی برای تاریخ ترسیم گردماند

ماهیت مردمی خیران‌های اصیل توحیدی که انبیا، در مقابل "سوردها"، "دعوه‌ها"، "تیمرها" و "ابوحنبل‌ها" بوجود می‌آوردند، هرگز قابل انکار نیست. حتی دانشمندان ماتریالیست نیز مغروران که در تاریخترین اعمار جهل و سذگی، این انبیا بودند که بوده‌های مردم را علیه طغیان استنارگر می‌شوراندند. در کتاب تاریخ جهان باستان در باره این مطلب چنین می‌خوانیم:

از دوران سلطنت خاندان عمیری، اسرائیلیان علیه پادشاهان و سران قوم خود می‌پاهاستند؛ این عمالیان‌ها حسیه‌بدهی داشتند، دهقانانی که در آزادی اصلاح اجتماعی بودند، همواره به امید ظهور "شاهی" عادل و "شاهی" واقعی "سی خدا و فرستاده" خاص او دل بسته بودند، تا با ظهور خود بیخ کار احساری و چنان نیکبازان را براندازند و صلح و عدالت برقرار سازند. سنجش‌نویان این مردم پیمهرانی بودند که غالباً در راس حشمت‌های بودهای قرون سیم و هشتم قبل از میلاد قرار داشتند (ایمان را با پیامبرانی که رسماً درمیان سلطنتی او زلزم و اساساره که به عنوان عوامل وادار روحانی سلطنت عمل می‌کردند سبب اشتباه کرد) نهضت‌های بودهای غالباً به تغییر خاندان سلطنت منجر می‌شد ولی وضع کتاووزان هرگز بهبودی نیافت. از قرن هشتم بارشانی به تورش مبتذل شد، پیمهران "قور" ریختن همی بارها" و قتل عام بزرگ مفتخوارانی را که به خلق ستم می‌کردند پیشگویی می‌کردند:

مردم گرایی توحیدی و مردم گرایی مبتذل (۳) ادامه دارد...

## "لایه‌های فروردین"



در دومین بهار آزادی ۱۳۴۴... اولین انشاییت را برای پدر... بنویس... فروردین... اولین ماه بهار است... در فروردین... گلها شکفته می‌شوند... بنویس... فروردین ماه... در گلزار خون رنگ مجاهدین... با آه‌های رحمت باران... از عقیق پاک خون مجاهدین... میدان تیر چیت‌گو... کوجهای خلوت تهران... تپه‌های غریب اوین... و امروز...

## تذکر:

گویا پاسداران کمیته منطقی ده در نامه‌ای به آقای بنی‌صدر نامه‌ای را که پاسداران اخراجی آن کمیته به مجاهد نوشته و ما آن را چاپ کرده بودیم همچول اعتقادند. از این آقایان می‌خواهیم چنانچه به حرف خودشان اعتقاد دارند از طریق قانونی اقدام کرده تا ما نیز اسامی نویسندگان را به مقامات مسئول اعلام کنیم.

## "از رسول تا شکور"

خون و شهادت نثار سازمان و لاجرم این سرود می‌شود... گویی این سرود زنده است و با مجاهدین رشد می‌کند... و بعد دوباره شروع کرد... سرانجام شکور سربلند و مغرور از زندان راهبانی یافت و در متن خلق سینه به سیم می‌شکور... تا این که دیروز شنیدم... شکور شهید شد؟! با گلوله مغزش را منلاشی کردند... از جلوی چشم... خاطرات "شکور" رژه می‌رفت... پایمرد بهایش، وفاداریش و تقوایش... همسر مبارزش و کودکی خردسالش (یاسر)...

## پیام مادر رضائیه‌های شهید در هفتمین شب درگذشت خواهر دکتر فاطمی، قهرمان شهید

وی و به تمام مردم آزاده و مبارز و به خصوص به زنان رزمنده و قهرمان ایران تسلیت می‌کوم... بانو سلطنت فاطمی به عنوان زنی مبارز و فدائگار که تا پایان عمر زنی به تسلیم سپرده و کینه و نفرت خود را از رژیم سفاک شاه پنهان نمی‌سود، از خطبه‌ی زنان نادری کرده و بار دیگر معدان این چهره‌ی احتشاق و دیکتاتوری، در کنار برادر قهرمان خود دکتر فاطمی برای آزادی...

## چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می‌ورزند؟

روایت و دفتر حزب جمهوری اسلامی خرم آباد... خلق بد ولی اگر شورای انقلاب خواهد چهسنا و ساقبتن تحریم کند؟ قانون اساسی، و تعطیل نمودن ستادهای عظیماتی این گروه‌های فاسد ضد جمهوری اسلامی ایران از مراکز علم و تحقیق موجب کمال رسالت... گردید. اما مدگی خود را جیت آمدن به تهران محو آثار این پلیدان وابسته به آمریکا و شوروی... اعلام می‌داریم. (۲ اردیبهشت) - اطلاعیه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی... حال که غالب شورت‌های ضد اسلامی... در دانشگاه شکل می‌گیرد، ضرورت انقلاب فرهنگی انکار ناپذیر است (۱۳ آبان ۵۸) - پیام واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی به مناسبت روز دانش آموز: ... در چنین روز الهی، تو دانش آموز انقلابی، همراه با برادران و خواهران دانشجویی، برای اعتراض به اداامی حیات رژیم مغرور، در معادگاه عشق، حق خواهی، حاضر شدی... امپریالیسم و آبادی زورور آن، در کمین آمدن تا از هرگونه زمینه مساعدی برای به آتوب کشیدن نظم جامعه و در نهایت، تعطیل نمودن مراکز فرهنگی و تولیدمان استفاده کند. (۱ اردیبهشت) - باهنر: با تعطیل دانشگاهها بسج بیشتر نیروها برای تغییر بنیادی امکان پذیر خواهد شد. (۳۵ فروردین) - سمرقالت: "حزب جمهوری اسلامی" ... مگر نه آن که دانشگاه‌های ایران ... به صورت ماس و ماوی ضد انقلاب در آمدند؟ ... دانشگاه با حفظ همان ساخت محمدصاحابی خود، جز سربلی برای رجعت امپریالیسم به ایران خواهد بود... گروه‌ها می‌توانستند با حفظ همان ساخت طاغوتی قبلی دانشگاهها، این محیط را پاک‌سازی برای پیام خود به سمت نظام جمهوری اسلامی قرار دهند... امروز انقلابی در دانشگاهها آغاز گشته است... چشم‌های گران خلق اکنون به دانشگاهیان مومن از سوی و به مقام‌های اجزائی از سوی دیگر دوخته شده است و ما می‌دانیم که دانشجویان دست از

هر روز بویندگان راه دکتر فاطمی شهید را بورد و حشانه‌ترین حملات فرار می‌دهند... به طوری که می‌دانند در همین چند روز اخیر صدها نفر از این فرزندان مجاهد در اثر حملات جمافداران مجروح و مصدوم شده و بزور در مشهد یک نفران در جریان حمله‌ی جمافداران به ستاد مجاهدین خلق به شهادت رسیدند... ما اسدواریم که این توطئه‌ها در اثر سبازی مردم قهرمانان حنتی شده و راه فاطمی‌ها در حیت نیل به استقلال و آزادی کامل مبین با قاطعیت پیموه شود و هم چنین اسدواریم که زنان قهرمان ایران سر سان بانوی فقید... سلطنت فاطمی، رسالت خود را در سبازی از دست آورده‌ای انقلاب و حمایت از فاطمی‌های زمان یعنی انقلابیون راستین و به نثر رساندن خون شهیدان به سبترین وجه ایفا کند.

## درد و غم بانوی مبارز خانم سلطنت فاطمی

درد و غم شهید قهرمان دکتر سید حسن فاطمی... درده به تمامی شهیدان خلق... چهار صفحه ۱۲

